

سوسیالیسم

چه کسانی به تطهیر ایورتونیست‌ها مشغولند؟

چه کسانی صف انقلاب و ضد انقلاب را درهم می‌آمیزند؟

با دوران رکود سیاس ایران دارد و با بسا یکبار شش نمون صد بندی طبقاتی انقلاب کار نیمه یافته تا کنیکها و سانشهای علمی و سیاسی ناظر بر روابط فی مابین - در صفحه ۵

تا کنیکها و سانشهای علمی گنونهت - رانشای استراتژی پرولتاریا از اهمیت علمی پرغریبار است - ساده انگارانه خواهد بود اگر تصور شود که با یکبار شش نمون - اینکه مبارزه طبقاتی در دورانی انقلابی و

پرسی توان نبردها و طبقاتی و از - جمله تشاب و روابط مابین نیروهای سیاسی در هر برهه از مبارزه طبقاتی و بویژه در باک دوران شمول و انقلابی و در دورانی که انقلاب فریبدهالونف می‌باشد در نسبت

جنگ و انقلاب و

خلیج متشیخ ایزاری برای سرکوب انقلاب

تزلزلات ذاتی راه‌کارگر

اگره تاکنون راه‌کارگر در هیچ برهه‌ای نتوانسته است به‌گیری و بهمنزای راه به اقیان پیرانده اما در هر مه آفتاب فکری و اراده سانشهای کج و معوج و پیش نهادن میوه تا کنیکها و الککتیستی به‌گیر بوده و انتظار بهمنزای را نصب‌شود ساخته است - مواضع راه‌کارگر بهرامون جنگ ارتجاعی دولتهای ایران و عراق و از آغاز تاکنون و یکی از آن برصحاتی است که سعی وافعی راه‌کارگر را بخوبی آیکار مبارزه در این مورد نبرونی ندارد که به براتیک راه‌کارگر در هر مه مبارزه طبقاتی مراجعه خود تا به در صفحه ۱۳

تویباران و شماره یازده و سونک باران شهرها و مناطق سکونی عراق از سوی رژیم جمهوری اسلامی ایران و بازهم کنتاره خانه در صفحه ۶

بازهم بسیاران نبرها - ساطک صمصی و کارگری و مراکز معنی و نفتکها و ایران بویسته هوا بهماهای رژیم عراق از کنتاره - عراقی مازندران تا خلیج فارس و بازهم

سوی نخت وزیر در گفتگوشی که نر - با بان جلت هیأت دولت در ۱۵ مهر ماه بسمل آورد بطور شش به کده جنجالهایی که طس چند ماه اخیر بهرامون مبارزه با گرانی و در صفحه ۶

گرانی و جنگ قدرت

ملاحظات بر یک گزارش

در صفحه ۲۵

طیف گسترده و رنگارنگ نیروهای دهانگ
 دهنده ایورتونیسم راست در جنبه کمونیستی
 ایران و به انط مختلف وادگ گوناگون
 اتحاد با بورژوازی و بهضری برنا صهبوزوا -
 درستی و افتاد تا کنیکهای شتاب بسا
 آنرا تیشیح میکند و جهت‌گیری اساس خود را
 بر برهاتی یک انقلاب بوزوا - دستکراتیک
 به رهبری بورژوازی و عرده بورژوازی قرار داد
 در صفحه ۶

پژوهتاریا و انقلاب

ایورتونیسم راست و
 تکامل گرانی تدریجی

- پاسخ به سؤالات
- همراه با ضمیمه سوسیالیسم ویژه مباحثات

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی راه جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

خلیج متشنج ابزاری برای سرکوب انقلاب

بنی و رویو سازد و انکار این چیز و تا -
 نهرات صورت مناسب جنگ نوده‌های کارگر و -
 زمستگر عراق را به عرض یازدهم -
 سدی نیرو یکفانده بیروها و - گوینگر خود را
 سمرقز تر علیه خلق سکار کرده - رژیم عراق
 ترک کرده ابتدا و اما دست‌انبراه با کشتن
 عیسین انقلابی در کربلا، عراق و دیگر خلق
 ها و ستمیده و استثمار شده ما حیات رژیم
 بر شهادت قنی هزار کرده است - از ایمن
 رو رژیم عراق در صد است شهر و صلوات که
 شده - در این راه از همراهی کرم‌هایی از
 اسیرالیهما سروردار گردود و صد انیشه
 که این پشتیبانی هرگز خود چندتا تا با دایر
 های هارت‌نگرانده، ملی سید - به حشاشانه
 شده - تا به جنگ ارضای داخلی خود نشیب
 بوده‌ها و غلبت‌های تسخیر شده و حد بیشتر
 شده -

اگر رژیم عراق با کشتن حشاشانه
 و تشنج در طلیح در صد قطع جنگ است - در -
 عوض رژیم ارتشایی جمهوری اسلامی مجتهدان
 نانی جنون آمیزی در ادا شده جنگ دارد و اصرار
 دارد تشنج در خلیج را در راستای اهداف
 مینا شکارخانه خود بکار گیرد و با استفاده
 از حضور اسیرالیهما در طلیح نه تنها
 انقلاب را در ایران سرکوب نماید بلکه بنا
 نموده‌ایند به قدرت برتر و طلق المان -
 چنانچه عامی‌نگی ارات روی برای سرکوب جنبش
 های رهایی بخش را در برابر جتا را اسیرا -
 ایسم به شایان بکاربرد - رژیم جمهوری اسلا
 می برای بستن پای به این حد که به افع
 خود سرمدار ارض شترافه با بتا - آفت
 - همچنانکه حکمتی در رفتار ما حسینی در
 با بان نوسین سجنار سراسری اشته جسمه
 سراسر کتور اعلام یافت - ما هو باره در
 مسین ما تهیهه جدیدا حشره عالی میکنیم
 که این سکندهر چنفر طول بکشد ما حوظنیم
 و حکمت‌انم را در حکمت این جنگ صمیمیم
 و پیروزه‌انم را در پیروزی در این جنگ
 می ببینیم - از دایره رهایی حتی بسنه
 نیستند نابودی کتاییدن منابع مظم مادی

و حقوق و انسانی و کشتن و تحکیم حضور
 نظامی اسیرالیهما در طلیح و توسعه باهنگا -
 های آنها بر عربین، عربستان و ۱۰۰ مایاتی
 - رو - رژیم جمهوری اسلامی تقصیر استعمار
 و توسعه سبب و سربا نگهداشتن خود را از
 زمین حیات و ادا آن به بیهر میرو - انسا
 ادا شده است شتر سلیم نوده‌ها از جنگ و -
 رژیم را بر ابرو حشره ساخته است - اسر
 تقصیر نه تنها منطبق نگفته بلکه خواست
 سرنگونی رژیم به ساله روز نوده‌ها تبدیل
 عقد است - از این رو رژیم جمهوری اسلامی
 احتیاج به ابزارها و متحد برای طولانی‌تر کردن
 حیات رو به سقوطش دارد - خلیج فارس بسا
 سین بر افغانی متعوده تبلیغات مظمیم
 با مصلح مد اسیرالیهما آمریکا به راه اند
 اند - پیونده را دارا کشتی جنگی ایران به
 روز کشتی جنگی آمریکا تر نقل میشود (البته
 با اولین احاطه فغانی ناو آمریکا تی و ناو
 جنگی برانی سربا از ناحیه دور میگردند)
 حملات به کشتی‌ها و تاروی و نشتن کشتی -
 می باشد و ما تشنج کردن طلیح به وارد -
 شدن حربه بیشتر تا وها جنگی اسیرالیهما
 ها و مشارکت آنها در رو با رونی با جیب
 ما ز انسانی با روی رانده سینود نا انقباب
 رهائی بجز کارگران و دستکاران ایران را -
 به دکت‌ملی یکفانده - انقلابی که بدون شک
 یکی از مرکباترین سربا تا کنونی وارد
 شده به اسیرالیهما نه در ایران و حلقه
 بسکه در حربه بین‌المللی خواهد بود - سلیر
 به اهمیت سلیمه سبب و کشتن رها چنجه این
 انقلاب است که اسیرالیهما ارتجاع منطقه
 و جمهوری اسلامی در سرکوب آن متافع حیاتی
 مشترکی دارند - همرا اشتراک‌سایع ارتجاعی
 است که سربا با از ابرو نارمانی‌های
 سوده‌های - طلیح فارتیست ارتجاع و اسر
 بالسم به تشنج کشیده سینود -

اسیرالیهما آمریکا که سیاست چنجه
 طلبدت و نماوز گراسه برای خوابنده با انکلا
 را در دهها راحبر تقصیر نموده است - بزرگ
 فقط برتری مالی - نظامی و کنترل سناستی

تسلطه ابر که با مژده‌ها و نوده‌های عیسما
 بطلر افتاده است - ما شمشک قرار دادن
 سیاست‌ها و توسعه شبانه و بان اسلامی
 رژیم جمهوری اسلامی - اگرچه به‌الفصوح
 و بالذکر در حد سماع حیاتی اسیرا -
 سبت‌ها است - اما در شرایط بحرانی
 کنونی فلیریم متافع اسیرالیهما خودی
 مرا انگیز گفته - صورت هم امروز خود و هم
 بالنگی های اروپا تر ارا در طلیح بالیکه
 کشتن به صورت کتور سبب است همانده کویت
 - عربستان ۱۰۰ سبه با مصلح قانونی داده -
 است - اسیرالیهما آمریکا حادلات از رفت
 و آمد آزاد حطوط کشتن رانی در طلیح را -
 سبانه‌ای برای کشتن سرتور نظامی و اشقرار
 داتیر، در سشفه کرده است - بملوه اسیرا -
 لسم آمریکا ما سرتور فعال تر خود در -
 سطاه سم اشتافات تبلیمی و ابزارهای
 لازم برای تقصیر و تقارم سیاست‌ها و سرکوب
 بگراست رژیم جمهوری اسلامی را فراهم سا -
 شد است و هم اینکه خود را بطور مستقیم
 در کاسون رو با رونی با جنبش‌های رهاستی
 بعضی در سلفه قرار داده است -

نسای ما جرابیونی های اخیر در طلیح -
 قاربر که از سوی اسیرالیهما آمریکا و رژیم
 ها و ارضایی ایران و عراق در دم فاسن
 زده سینود فقط و فقط به حد سرتور ارتجاعی
 را دنبال می کنند - صورت نظامی اسیرالیهما
 آمریکا و سبالیکی هاید در خلیج - تعلق
 سیاست کارگران سربا به های مالی - نظامی
 - حفظ و حرارت و توسعه این خارتگری -
 از سونی و آخادگی بیشتر و حرکت فعال سرتور
 در سرکوب جنبش انقلابی از سوی دیگر است -
 تشنج آفرینی در طلیح و با مصلح رو با رونی
 با دولت آمریکا و دستنده اسیرالیهما
 رژیم جمهوری اسلامی اداه همان سیاست سرتور
 کویگراست رژیم علیه انقلاب و نوده‌های کارگر
 و زمستگر بیهر وسیله ممکن می یابند -
 از مسین رو هیچ گونه تسبیب و سرکوب‌های در
 رویا دعان اخیر خلیج فارس سینود تفاوت



سوسیالیسم

گرانی و جنگ قدرت

را نفروشی و مستکرمین براه افتاده است. غاره نمود. موسوی در توضیح دستگیری در برستان بنهاد نبوت، که بهت مومنه مربوط است. جناح بازار است گفت که اگر محالست جاری و با هر چیز دیگر رخت. این باسد با سوابق و مقررات نام سفین. انجسام خود و " هر نوع کربوری از شررات و سوابق رختی که به دولت باید داده خود بک نوب. برم صاحبی خود و به سنا و مخالفت با این مقررات است و تابن تمین نیست. " .

ظاهر فیه به آنگونه که در رسالهها عنوانه نده بود حد و میل اموال مردم و بهشتر نهراختن حق دولت یعنی مالیات بیوده است. تا لغت زوهر به بعد دیگری نیز اشاره کرده که اهمیت این برای جناح دولت از بعد نشاهای فیه اگر بیشتر نیاده کتبی نیست. موسوی گفت که این بنیاد که دارای مالیت وسیع اقتصادی است و هیچگونه حاس و کتابی بر نمی نهد. " وقتی که خارج از مقررات باشد آن وقت تا دو چیز های مختلف برمی آید. این چیز های مختلف عبارتند از هرمد افراد بیستای اینکه با پول اثر بگنارند در فتهستان. " و این بعد سیاسی ساله است. موسوی اساس این تأثیرگذاری یعنی بر افراد و محالست وسیع " بنیاد را به اینگونه جمع بندی نمود: " مردم مراد نسبت به جانب هر رابطه یا فعالیتها فایده باعده فعالیتها لفظ جنبه اقتصاد دو ندارد معنا سیاسی در بهشتر در حتما هر رابطه یا حصین بنیاد بک تلفی برای. نسرتی به قدرت در احاسری کنیم عواهد میلی زما دی حست و تمام اینها علی معاد لغته حست. "

اساسی بک دم قطع نگریمه است. هر از. چند گامی نشاد های نیروی هاستاکم واز جمله نشاد هو جناح اصلی حاد می خود و هر زمان از بک کانال سر باز می کنده. واکنون نیز مدتی است که مبارزه دو جناح برای. کتب قدرت بیشتر و ما قدرت مطلق فرجه بودگی اساسی از طریق تعادلی برای گمراهی تووا و اسکانات به منظور کسب کرسی های بهشتری در مجلس شورای اسلامی جریان دارد. جریانها که با نفع حسینی بر ملا عده به انطالی حزب جمهوری اسلامی منجر گردید و اکنون نسبتز بعد ماه است که جناح دولت با بهر خود قاری از ابزار های اقتصادی - بوروکراتیک به جناح بازار حمله نموده است تا آنها از ابزار و اسکان تا تحت می تواند " یا پول افراد را ببرد و اثر بگذارد بر فتهنت شان " و " بک تلفی برای نسرتی به قدرت را حادان بچهنده جدا نماید. " بدین ترتیب آنها گرانی و گرانفروشی و اختکار بک سالیه بی اهمیت و از نقطه نظر جناح دولت فقط در حکم بهانه ای برای محدود کردن دانش فعالیت جناح دیگر است؟

هر سرام آور قیمت ها و کپیوه فاجح کالا و روندی بازار سیاه خود باسخ نظمی به اسمن شوال می نهد. تنها طی چند ماه گذشته قیمت بسیاری از کالاها بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش یافته است. میزان سهم کویسی صلا کاهن یافته است و عاملین اصلی بازار سیاه سودهای هنگفتی را به جیب میزنند. اینها تمام واقعاتی است که حتی سران مردم خود آنها انکار نمی کنند. در کنار این واقعات و سودهای هنگفت بعضی تجاری واقعات دیگری نیز وجود دارد. واقعاتی که قدرت جناح دولت را هر لحظه در معرض مخاطره قرار می دهد. درکستگی مالی و اقتصادی دولت را فلج کرده است. درحالی که هزینه ها و دولت از انطالی بسیار حد و در هر کاهن بهر خود را است. منابع درآمد دولت کاهن یافته است. حیاتا جنگ فقط بهر عیسی از بوسه دولت را می بعد بلکه عده ترهین و اصلی ترهین منبع درآمد دولت یعنی درآمد حاصل از نوروز نشتر در انسر بسیار آنها در مداوم تأسیسات نفتی و نفتکش

ها کاهن داده است. جناح بازار اما فارغ از این مسائله گمراهی " پولهای گردان " متفون است.

جناح دولت تا آنجا که توانسته است بر قیمت کالاها و اخساری افزوده از میزان سوبسد کالاها کاشته و مالیات را افزا. بند داده است. اما در تأسیسات آسبده بیشتر یعنی افزایش قیمت کالاها و مالیات ها می باید از سهم بعضی تجاری در جه اول. تودهما کاشته خود. چرا که سران بزم خود نیز بر این امر واقفند که حتی هم اکنون فشار بر تودهما بعدی است که هر آن برادر هر جرقه ای اسکان انقباض میباید است. پس باید از سهم بعضی تجاری در جه اول کاشته خوده قدرت اقتصادی این محدودتر گردد تا. جناح دولت بتواند بر میزان جه اول خود بها افزاید و از این طریق و از این کانال نیز جناح بازار را در معرض بک شهاجم سیاسی قرار نهد. تصویر از این سیاست را که فعلا به دستگیری سر برستان بنیاد نبوت استیا عیده رسانیدنی در علیه های چند ماه بعدی ترجم کرده بود. و فتهنتی در حلیه نماز جمعه ۲۶ تیر ماه ضمن عواظی های همیشهگی در باره عدالت اساسی و اعتراض به فقر و گرانی گسترده از مردم دعوت نمود که با بزم جمهوری اساسی در مقابله بسا گرانی و گرانفروشی همکاری کنند. بهمارت دیگر وی از مردم دعوت نمود که در مقابل جناح بازار از جناح دولت حمایت کرده و از طریق مبارزه با حاکمان به مقابله باجنگ بازار بهر بازند. رسانیدنی گفت که " یکی از مشکلات مهم جامعه ما گرانی و تورم است که عاید عمومی ترهین بلمه زمان ما بلفه " مردم دچار گرانی هستند و فقرها عیده مردم دارند رنج می برند از آن گرانی و - سو" توزیع دولت بر نامه برزی کرده بسا اجازه حبرتا امام و قانونی مجلس گنرا فیه اخیرا برای مستکرم و گرانفروشان " و رسانیدنی جناح بازار را حامل گرانی حبرتی کرد و حکم سیاسی در رابطه با اعتراضات دولت برای مبارزه با گرانفروشی را اول. بسا ن جهانی بالای سر جناح بازار به حرکت نهد

چه کسانی به تطهیر ایورتون نیست‌ها مشغولند؟

چه کسانی صف انقلاب و ضد انقلاب را در هم می آمیزند؟

نیروهای سیاسی فراچنگ آمده و دیگر یازندگان خود ویژگی‌های هر برمه از سارر، لطیفانی و با ارزشیایی سعد و سار محمد از شناسه نوای طیفانی و خونیت نیروهای سیاسی ضرورتی ندارد. درنگ‌گمانیستی و گنارینی از مبارزه طیفانی، اما، بسین میکند و عملاً ضرورت این بررسی و بازنگری را نمی‌میکند. در ستایل، درک لیبیرالی و موم طیفانی درک خود بخود از «جنین» و انقلاب خود را به تنها بر خود ویژگی‌ها، حرارت کنرا و تمهیر آفتشای در توازن نیروها و نفعانی متکی می‌کند. سانشنا و عملی و ناکنیکها وجود را - بدون بموند یا اشترازی پرولتاریا بدون در نظر داشت دورانی که مبارزه طیفانی را احاطه کرده‌است و بدون در نظر داشتن مسند بشدی شقانی انقلاب‌ها بعمارت دیگر بدون - یا پیغدی به تفکیک صف انقلاب از ضد انقلاب نسبی می‌نماید.

زوجه ساز تقویت و فرمسم و درک لیبیرالی از مبارزه شقانی در تلب سلفانی گرفته. اگر بمواجم سمونه‌های علمی از این دو میسر را عنوان کنیم می‌توان از بیخبر سلط بر م. ج. س. ج. ۱۰ قبل از اشقای المهر و آقا شد بافته آن هر نزد جریان «کمته خارج» بموان نمونه‌ای از درک‌گمانیستی و سکتا - رسی از مبارزه طیفانی تام برده و درمقا - مل تا حدود بسیار زیادی (تا سرحد مطلق) ترک راه کارگر را سرزن لیبیرالیسم و دنبال - روز از جنبش خود بخودی، اسیر لطف‌ها و - مبارزه شد، بی بند و باری در ناکنیکها و در رابطه با نیروهای سیاسی و فرم آمیز. جدا تقب و ضد انقلاب.

مؤقت کوسی مبارزه طیفانی و عموماً ضد بشدی نیروهای سیاسی حکایت از چه می‌کند؟ در یک کلام باید گفت مجموعه تراست کنونی آنجان زمیهای را فراهم نموده‌است که لیبیرالیسم و فرمسم به بت‌نهاییم گذرده علیه انقلاب، نیروها و انقلابی و اتحادها و انقلابی مبارزت ورزیده‌اند. پس از یک دوره چند سائنه که فرمسم ضروری و طبره کشته بوده، دو باره عوین احاد نموده و از - سوی ختر لیبین در ضد انقلاب مورد استقبال و تدوی قرار گرفته‌است. هر چند تهاجم لیبیرالیسم و فرمسم بر انقلاب و نیروهای انقلابی امری ذاتی و شطیل نا پذیر است - و ایما مقابل با آن - لیکن تراکم میوه - عم عواشی بیبیده است که در لطف کنونی لیبیرالیسم و فرمسم (و بویژه دومی) - زمینه مساعدی برای تاحت و تاز بیابند این است آن محسسه لطف فعلی در ارتباط با - مؤنیت نیروهای سیاسی - جم فرو بستن بر این واقعیت از سوی کمونیستها و دمکراتهای انقلابی عملاً بجهان اشناده چه اسراف سلب ضرر می‌زند که حکم کار در حسوتی یا لیسر -

الم و فرمسم. درک فعلی، دگمانیک و سکتا رستیست. تصور می‌کند با نادیده انگاشتن این علویا بی توجیبی و بیبا نادان به آن، با مطرح نشاختن چنین علوی که در کسین ستنرا انقلاب بی سینه است. به امر انقلاب باری سیاسی رسانده به امر مبارزاتی پرولتاریا و - اشتغال طیفانی این باری می‌رساند. این ترک بر این باور است که اتمان به چنین علوی، اتمان به زمینه‌های نسبتاً مساعد که در - جهت گسترش فرمسم و لیبیرالیسم حاصل شده بمسئول رسیست. بختیدن به فرمسم است. به سنا و صناعی تقویت فرمسم، ایما و تزلزل در صف انقلاب و عیانته به انقلاب است. این ترک که یکبار برای همیشه خط و رمز ما بجهن مسند انقلاب ضد انقلاب را ترسیم نموده و آنرا تنبیت شده می‌بخندار. بر این باور است که هزار و چسین عامل همان این دو سفاک است. بر این باور است که با یکبار روشن نمودن علوی رمز‌ها و با یکبار تمهین جا بگاه‌های نامسو و های سیاسی در مرصه فعلی نیز چنین خط و رمز هاشی تا دام پلانسیور باقی می‌ماند. چنین تصور می‌شود که چون فرمسم در ایران آبرو یافته گفته، عیاننگاریهای معاصر افکار - گفته، جهره پلچین بر ملاحظه و توده‌ها به - سکنیدن و آفت گشته‌اند. دیگر کار فرمسم پرای همیشه نموده یافته است. دیگر هیچ‌گاه اهورتونیست - فرمسمها شد. فرحاشات - رسی خود (حزب نموده و خو جناح اکثریت) و نه از روزگاری و دیگر امکان باز تولید و - تجدید نوا ندارند. این درکده فقط حاصل احتشامی (طیفانی) تولید و باز تولید - فرمسم را ندیده می‌انگارد بلکه جم بر - سیرمه عرابلی که در لطف کنونی سبب گریه است که فرمسم امکان - فقط امکان - تجدید

زندگی با استقلال طبقاتی کارگران

چه کسانی به تطهیر اپورتونیست‌ها مشغولند؟

چه کسانی صف انقلاب و ضد انقلاب را در هم می آمیزند؟

حیات گسترده و فعال نباید نیرو می بندد و انسان فعال عدل وسیع رفاه را متکرمی کرد.

آن کسی که با استناد به دوران استبداد بی حاکم بر جامعه تصور می کند با حسین شوری و انقلاب می کند که رفاه بی رحمت گفته همه انزوا شیده عدل و طرفداری است و امکان تجدید حیات گسترده ندارد یا با حسن نیت از دیدن تضاد و جریانی با موجود عاجز است و با نقد دارد یا بی امیدتفان دادن این ساله و مرد و امید نردن نیروها و اپورتونیست - رفاهتستند

انقلابی آنگاه را از آماج انقلاب در امان بدارد. این تصور که دوران انقلابی خودی خود می تواند از رند و گسترش رفاهتستند جلوگیری کند هرگز ساده لوحانه است دوران انقلابی اولاً همواره مترادف با اعتلاء انقلابی بی وجود و هوش جنبش بوده و نیست و هرگز گریخته افتد و چیزهایی از جنبش بوده ای - است و ثانیا حتی در یک اعتلاء انقلابی - رفاهتستند در غیاب یک ارگان رهبری انقلابی با نفوذ پرولتری از این امکان برخوردار است که بر جنبش انقلابی سوار شود و بر نیروهای انقلابی پراکنده و کم اثر بر مبارزه - طبقاتی ناشی شود - رفاهتستند فقط بر مبنای - پایگاه اجتماعی خود باز تولید نمی شود و گستره فعالیت آن نیز منحصر به پایگاه - اجتماعی آن نمی باشد. بر غریب کمونیست در شرایط تعاون نسبتا شلوانی عدالتتستند کارگری و توده ای در یک دوران انقلابی و موجودگی اجتماعی بر اثر برانگیختن انقلابی - جنگ و سرکوب - سازمان ناپا ننگی - پروولنارها و نیز عدم وجود یک ارگان رهبری انقلابی و یک قطب انقلابی بر قدرت و با نفوذ پرولتری و رفاهتستند امکان تجدید حیات باقی نماند. این تجدید حیات اما هنوز نه نشانی است و نه کامل شده است.

اپورتونیست - رفاهتستند که طی یک

دوره در حالت کاملاً تدافعی قرار گرفته بودند و بعد از سرودن توده ها و نیروهای سیاسی انقلابی شوری و طرفداری بودند نخستین بار - پس که در نوبت به آن اشاره کردیم به باز - سازی خود پرداخته - هر چند این بازسازی - هنوز به اتمام نرسیده - و تدارک برای تله - جم به انقلاب را بیگلی جدید آغاز نمودند - هر این دوره است که برخی از نیروهای انقلابی و با بخشهایی از این نیروها خود نیز - متأثر از شرایط موجود بر دامنه ترولزلاشته افزوده عدل و بهای تأکید و با بندید بیست - چهارم و سیاستهای انقلابی در مقابل بیست - اپورتونیست - گرایش به تسلیم عدل به اپورتونیست - در حد پذیرش آن در ضد انقلاب - را از خود بروز داده اند. هر این زمره می تواند از جریان خود سیاسی و نیز کمینگی - اجرایی نام برد - با این وجود اپورتونیست ها بدون دشمنی مستقیم تر و فزونیگستر هنوز توانایی معیوس کردن ضد انقلاب و ضد انقلاب را ندارند و هنوز بدون کمک جنبش - ستشارانی قادر نیستند به انقلاب آسیب - رسانند. بدین علت است که بلوک نیروهای اپورتونیستی بهطور انقلابی با شرایط جدید و ایجاد زمینه برای ادامه حیات موثر به سلاح - نقد گفتند - روی آورد تا در همین حال توجیهی تالزم را برای جنبشستشاران - فراهم نمایند. در این مورد اکثریتی های - کثرتی بهنا به طبقه اتصالات بلوک اپورتونیست - نیستی یا ستشاران خارج از بلوک انقلابی - نفس می کشد. در خارج از بلوک اپورتونیستی نیز سروری بود نیروهای ستوان ستشار - نقش طبقه اتصالات و با همه اتصالات بلوک اپورتونیستی را (بیست - سه سرحد خود) بر - حسب بگیرند - سازمان آزادی کار که برتری - ستشاران کار طبقه گند است نزدیکترین - سرود به حراب - اپورتونیستی و بخش - ستشاران اکثریت کثرتی است که خود را نامزد - انبای نفس نمد است - ما بین عدالتطلب و

مد انقلاب گرانند اما سازمان آزادی کار - ناتوان تر از آن است که بتواند بشکند - نه اتصالات ملگرمه شوری دامنه بکشد - هر این مورد هر چند را کارگر در مقابل بیست - سازمان آزادی کار از بلوک اپورتونیستی دور تر است اما توانایی این در تطهیر - اپورتونیست - رفاهتستند و در محدود نمودن - عدالتطلب و ضد انقلاب یعنی تر ابقای نقد - تنه اتصالات از امنیتتستند بر وجود دارد - است و این آن سروری اساسی است که بلوک - اپورتونیستی بر روس حساب باز کرده است - بر این موارد کسی بیشتر مکت حکمتش و ابتدا از نخبه ای هوشی بلوک اپورتونیستی به منظور - تمهید حیات و یافتن ستشاران جدید آغاز می - کنیم.

پس از تاریخ شدن اپورتونیستها از حلقه و حوس بارگاه ولایت نقدی انقلابی برای ادامه حیات و انقلابی با شرایط جدید از سوی آنان آغاز شد. چرا که بی حیثیتی و بی آبرویی - حمایت از رژیم جمهوری اسلامی مذکوم سراز - آن بود که حاکمان سروری بتوانند براحتی خود را از آن محسوس کنند. گروههای اپورتونیست - نیست در معرض تکه تکه عدل و ستانی عدل قرار گرفتند. کفاره گناهان بزرگ مرتکب شدند پرداخت می - عدل انشایات در مورد آنان که جان سخت تر بودند و حتی - انتقاد از هواری - را هم در ترازوی نجاتتستند کفاره گناهان - سی گذاشته عدل تر بود. حزب توده بهنا به ستون فقرات این بلوک زیر فشار مبارزه - عملیاتی ترک پرداخت - بند و بستهای تفکیک - می برای از سر گرفتن بحران بی تمسک - ماند - نتیجه نو انتخابتستند بود و تعاون - بحران - اکثریتی های نگاهاری با - انقلابی - خیر و نا خیر نیز تلاش نمودند که بحران را از سر بگیرند. اما بی حیثیتی حمایت از - " همگامی انقلابی " ولایت نقدی کفاره - یعنی تری را طلب می کرد. حامله آنکه اکثریتتستند نتوانست و نتوانست است بر بحران هوشی - فائقه آید و گریزاتستند بر زمینه ای - شروع به عمل گیری نمود. هر این حالت اکثریت - یعنی های کثرتی و با - انتقاد - بیشتر و - پرداخت کفاره - بیشتر تلاش کردند که هر حال از بلوک اپورتونیستی ستشارانی برای خود

سوسیالیسم

چه کسانی به تطهیر اپورتونیست‌ها مشغولند؟

ستد با کنند و مفری برای نجات خود و -
 شوکت اپورتونیستی بیا بند - نیروهای بلوک -
 اپورتونیستی بر این امر واقف بودند که خود
 به نتایجی نادر به نجات اپورتونیسم و تطهیر
 موافقت نمیکنند و آب تطهیر باید از خارج بر
 جریان ریخته شود

کنترالی ملی حزب توده و بلنوم های
 دو جناح اکثریت بدین منظور تشکیل دادند - هر
 سه نیرو بدیجات مختلف نسبت به حمایتان -
 از جمهوری اسلامی انتقاد بعمل آوردند و در
 همان سال ستون " مبارزاتی " گذشته شان را
 در قالب و عکس جدیدتره نمودند از نیرو
 هایی که تا بهروز تحت عنوان چهگرا آلت
 اسپرالیسم و طامی و باقی نام برده می شد
 اعاده حیثیت بعمل آمد و نازد و مدت حزبی
 و با ورده به " جبهه متحد خلق " گردیدند
 ستگا در هم حوزا اپورتونیسم در تلاش
 این نعت ها بر آن میانی نظریه گدانت
 که در تیل به حمایت از رژیم جمهوری اسلامی
 شیر ده بود و اپورتونیسم جز اراکمه
 همین ستگا و نظری نیز رسالت دیگری نسبی
 برانند شیر میده داخته باغ - ستگا نظری
 اپورتونیسم سینی است بر " ساز و شقانی " و
 در هم آمیزی طبقات و تحلیل از دیکتاتوری
 اپورتواری تحت عنوان حکومت ملی و دیکر -
 تیک از اپورتو کل اپورتواری از زیر ضرب
 جنبش خارج می خود و لاجماتی از آن تر -
 جنبش خلق فراراده میبود - بعضی دیگر از
 اپورتواری به قیای خرده اپورتواری ملیسی
 خود تا پشانه " نیروی شرفی " تحولات -
 " ملی و دیکر اتیک " را به پیش برد - ساله
 اصلی انقلاب به سرنگونی رژیم جنبش تقلیل
 داده می خود و از تناسی نیروهای " ضد
 رژیم " معترضی خود که بر یک جبهه آیز -
 اس هم را مشتاق کنند و بدین منظور -
 در حواشی های انقلابی و وظایف انقلاب تا آن
 شعار ستگاری می بود که برای لاجماتی از
 اپورتواری که باید جنب انقلاب موده نیرو
 پذیرفتن گردید - و بر کنار تمامی اینها
 بشوک اپورتونیست - رفرمیستی - مپهتیا ؟ -
 پشانه بجهانگ پرولتاریا رسالت وحدت -

بخدمت به " جنبش کمونیستی " را بر نته
 خود می دادند - اینها آن عناصر نظری محدود
 گردن انقلاب و حد انقلاب است که از سوی اپور
 رتونیستها عنوان گردیده و از سوی ستیار
 اپورتونیسم در ضد انقلاب تکرار می خود -
 لب کلام هر کدام از این سه نیروی اپور
 رتونیستی چیست؟

حزب توده پس از برگزاری کنفرانس ملی
 در انتقاد به گذشته می نویسد: " آنچه
 جستجوی حقیقت را ستوار و مستیابی به آن -
 را ستوار تر می کند اعتباری است که در -
 جریان پراتیک انقلابی کمونیستی ایران رخ
 داده است - اینها بی نامرشد و بزرگمانی -
 صنومی ایجاد این اختیارات که اغلب اجتناباً
 نا پذیر بوده اند نیرومندترین امری است
 که به اتکالی آن کوی می خود که نظرات نا -
 درست از " جب " و راسته میان متوجه -
 هنگام طبقه کارگر ایران تزیف خود (نامه
 مردم شماره ۱۳۹) - حزب توده اعمال ضد
 انقلابی و حیانتکاری های آشکارا را اعتنا -
 ماست و فارسانی های اجتناب نا پذیر قلند
 می کند - چرا که همان ساختها و همان اقدامات
 ذات گذشته باید به شکل جدیدی دنبال شود -
 از همین رو است که حزب توده می نویسد:
 " حزب ما از جمله برای جلوگیری از تکرار -
 تارسانی هایی که در می ما نسبت به حکومت
 همین بوده داخته باغ - نیاز به ضمیر در فرم
 لبتدی اصول عام استراتژی و تاکتیک ساز -
 کنند - لفتیستی عویس نمی بیند " (همانجا)
 اما این اصول عام استراتژی و تاکتیک ساز -
 گمست - لفتیستی حزب کداستد ؟ - انقلاب
 ملی و دیکر اتیک " - بر فراری " حکومت
 دیکر اتیک و ملی یا ست گیری سوسیالیستی
 بر مبرمی اپورتواری و با خرده اپورتواری وسای
 از سرمایه داری دولتی " ابزار تحلیلی ایمن
 انقلاب و برقراری حکومت دیکر اتیک و ملی
 تشکیل " جبهه متحد خلق " است که خواست
 گویند " لایه هایی از اپورتواری مویط و -
 کوچک که هر برمی تحولات ملی و دیکر اتیک -
 ذینفع هستند سری خود جلب کند " (تلمنا -
 سرب کنترالی ملی) و " تشکیل جبهه متحد

خلق برای منشی کردن نزلتها و سازندگاری
 ها و اپورتواری لیبرال ضروری است " (نامه
 مردم ۱۳۸) و فر خورد نیروهای مترسی
 غیر پرولتری که در راستان میا مدین خلق را
 قرار می دهد می نویسد: " حاصل تمسین کنند
 در موع گیری کمونیستها در برابر نیروهای
 شرفی غیر پرولتری - درجه پیگیری انقلابی
 و میزان وفاداری آنها به برنامه و آرمان -
 خلق است " (نامه مردم شماره ۱۳۷)
 بدین ترتیب - اصول عام استراتژی و تاکتیک
 حزب روشن می خود - تبلیغ ماری طبقاتی و -
 هم آمیزی نیروها و انقلاب و ضد انقلاب -
 اکثریت جناح نگهدار نیز شن " انتقال
 دی " بر گذشته خود بدون آنکه عنوان تناسی
 بد " نیاز به ضمیر در فرمولبندی اصول
 عام استراتژی و تاکتیک ماریکست - لنینی -
 سنی عویس نمی بیند " همین اصول عام را تکرار
 می کند - سوبیات بلنوم وسیع اکثریت تا کند
 حکمف بر او برقرار و حکومت ملی دیکر اتیک " -
 " بر عراض کنونی که سرنگونی رژیم جمهوری
 اسلامی آماج مقدم جبر است - تا حین اتحاد
 کشته از آن نیروهای انقلابی - دیکر اتو -
 شس بر یک جبهه واحد ضرورت عاجل دارد " -
 جنبش " لایه های باثینی اپورتواری نیز در
 برمی تحولات ملی و دیکر اتیک ضمیمه اند " و
 اپورتواری لیبرال دارای - احاد خود خرفا -
 و هازار کارانه " است - بر نزد اکثریت
 این تنها کلان سرمایه داران هستند که باید
 طرف شوند و نیروی ضد انقلابی بحساب ملیسی
 آیند - سایر بخشهای اپورتواری با هر جبهه
 ضد خلق " جا و بگیرند و با اینکه باید
 شترد شوند - اکثریت در رابطه با میا همین
 می نویسد: " سازمان میا مدین خلق متحد -
 نیروها و ملی و دیکر اتیک ایران است بر این
 پایه سیاست سازمان ما - نسبت به این نیرو -
 اتحاد و بیابزه است " (اتحاد و بیابزه " -
 سیاست اکثریت در رابطه با جمهوری اسلامی -
 نیز بود) متافا ایستگ " در میان نیرو -
 ما و اجناسی ما باار میا مدین تمامات دیکر -
 اتیک و مردمی همچنان نیرومند است " همانند
 تمامات دیکر اتیک و مردمی با نفعیونان پسترو
 خدام) - به هر حال آنچه کار تلمنا می

چه کسانی به تطهیر آیو توئیست‌ها مشغولند؟

های بلنوم اکثریت مطلق نبود همان سالی...
 لیقانی و در هم آمیزی نیروها و انقلاب و ضد
 انقلاب است. اکثریت مطلقین در رابطه با...
 وحدت در "جنبش کمونیستی و کارگری" سی
 نوی - "در مبارزه بخاطر ثامن وحدت
 جنبش کمونیستی و کارگری ایران در حزب واحد
 بهیفا متحد طبقه کارگر ایران" باید لزوما -
 امنیت تا بین وحدت ذکر و سیاسی با سازمان
 های متحد به مارکسیسم - لنینیسم از جمله
 گروه ششمی از سازمان فدائیان خلق ایران
 اکثریت و سازمان کارگران انقلابی ایران
 راه کارگر و برسی گروهها و مطالبه نیز مورد
 توجه قرار گیرد.

در صورت بلوک اپورتونیستی "اکثریت"
 مستقر و رابط بین حزب نبود و اکثریتی های
 کشتگری را بازی میکنند با چشم داغی بمانند
 که راه کارگر را هم بتواند شوی به وحدت
 حزبی کند و کشتگری ها نقش رابط بین اکثریت
 یستی ها و برسی از نیروهای "مارکسیسم -
 لنینیسم" خارج از بلوک "آزادی کار"
 و راه کارگر را ایضا میکنند. در شرایط
 کنونی "اکثریتی ها و کشتگری با نقدی بر
 خود که مورد پسند "آزادی کار" و راه کار
 کر نیز قرار گرفته بستاند مؤثرتر و -
 سده ترین طبقه رابط بلوک اپورتونیستی یا
 بیرون از آن نقش یافته است.

کشتگری ها چه میکنند؟ آنها میسر
 میانی نظری اپورتونیسم را در بلنوم خود
 مورد تأکید قرار داده و با ملاحظه با بررسی
 نقایص گذشته موانع "وحدت حزبی" را از
 سر راه کنار زده اند. کشتگری ها در نزد
 خود رژیم جمهوری اسلامی را از همان ابتدا
 ضد انقلابی ارزیابی کرده و باین طریق برود
 نده حیانتکاری خود را منحوس اعلام نموده
 اند. این بیانی می ماند مبارزه با رژیم
 جمهوری اسلامی، تشکیل بلک جبهه وسیع از
 نیروهای مخالف رژیم و حرکت در جهت وحدت
 "جنبش کمونیستی" در گزارش سیاسی کشتگری
 ها به بلنوم می خوانیم: "در مبارزه با
 رژیم جمهوری اسلامی و مواجبه با خرابی
 کنونی "نیروهای مختلفی وجود دارند و سوا-

است که کشتگری ها هر ملکی طایفه را از مسیر
 باز می هاند و منظور "تقویت تفلسف
 انقلابیون کمونیست" تا مزه های را بر فرضی
 میکند: جنبهائی از حزب نبوده و سازمان
 اکثریت با انتقاد بخود راه کارگر و آزادی
 کار -

بمبن ترتیب نیروهای اپورتونیست -
 رفرمیست بخطور انقلابی خلق اپورتونیسم با
 شرایط مشخص حرکتی را در جا خوب موازی
 اپورتونیسم از راست به چپ آغاز نموده و
 در این حرکت اکثریتی های کشتگری خود را بر
 سستی الهیه چپ بلوک اپورتونیستی تکیه
 دارند. اکنون دیگر انتظار را با بت تطهیر ضد
 انقلابیون طبقه اپورتونیست - رفرمیست به
 منظور تقویت "تقل انقلابیون کمونیست" -
 (بستانی و فدائی آن تقویت نقل رفرمیسم جدید)
 از سوی نیروهای همچون سازمان آزادی کار
 و راه کارگر می رفت. "آزادی کار" منتا -
 تانه به پیچیدگی بار قضایی این حناقت -
 "آزادی کار" همزمان با تکاپو اپورتونو
 نسبتا به آن مقدار به راست خزیده بود که
 حال بتواند دستان کشتگری ها را بگرمی
 ببنماید.

سازمان آزادی کار برای "تقویت تفلسف
 انقلابیون کمونیست" از طرح برنامه های که
 در تیر ماه ۱۳۷۰ انتشار داده بوده معقول -
 نبود و با پذیرش اساس موازیستی که از سوی
 اپورتونیست - رفرمیست ها و پیوسته کشتگری
 ها عنوان شده بوده برنامه پیشنهادی این را
 "در باره جبهه دمکراتیک" ضد سرمایه
 کمیتی "در فروردین ماه ۱۳۷۰ اعلام نمود
 در طرح برنامه سازمان آزادی کار مفیددی
 نیروهای طبقهائی و قدرتی سیاسی جا نمین رژیم
 کنونی چنین جیب بندی شده بود: "عقلانان
 و خرد پیروان آزادی همی در تعیین پروتکلها
 در انقلاب دمکراتیک هستند" "ورده های
 فوفائی خرد پیروان آزادی مومنی بهیفا یعنی در -
 انقلاب دمکراتیک دارند و پروتکلها را باید
 برای گذاشتن آنها به مقوله انقلاب و یا پس
 طرف ساختن مان مبارزه بنا به سرنوشت رژیم
 جمهوری اسلامی" "مهم هکستن مابعدین دولتی
 بود و کراتیک - نظامی و استقرار جمهوری دمکتر
 در صفحه ۱۸

شها و سخاوتی پس میگردند. اپورتونیست
 انقلابی یعنی سلطنت طلبان ۱۰۰۰ مردم را به
 رویگردانی از هر نوع انقلاب و انقلابگری
 و راهیکالیسم فرا می خوانند "۰ فدائی
 شماره ۲۰) "اولین شکست های اپورتونیسم
 بنا نهاده ضد و نیروها ضد انقلابی منجر
 به سلطنت طلبان عدت (مترجم با کلات -
 سرمایه داران در نزد حزب نبوده و اکثریت -
 حال می ماند مثل محمد مایر بخفا می بود -
 زوازی "گزارش سیاسی می افزایش" "لبرال
 ها و عناصر ترین نماینده آنها "نهضت آزادی
 ایران" نیروهای سازشکاری هستند - کسبه
 آزادمخواهی مان "مرد عرفانه" است. و با لا
 حره یعنی از نیروی سیاسی پیروان رژیم
 خارج از پیروان آزادی می بود تا برسر
 سبائی "ترقی خواهی این" به یکی از عناصر
 اصلی تشکیل جبهه وسیع کشتگری ها مبدل بود
 گزارش سیاسی می نویسد: "در خارج از جنبش
 کمونیستی یکی از نیروهای مهم اپورتونیست -
 ترقی خواه سازمان مباحثین خلق ایران است
 کشتگری ها هیچ نقشی از ترقی خواهی سبائی
 مدین و پایگاه طبقهائی مباحثین ارائه نمی
 دهند و نقطه متذکر می شوند که "خیم میسم
 سازمان مباحثین خلق در مبارزه علیه رژیم
 جنبشی غیر قابل انکار است و این مبارزه با
 توجه به اینکه در شرایط حاضر رژیم جمهوری
 اسلامی مانع اصلی بهر فرست جامعه و فاسدن
 اسی مردم ایران است دارای نفوذ شرقیستی
 است" "نیروهای سیاسی از پایگاه طبقهائی -
 عان مشترک می شوند و ضد انقلاب و ضد انقلاب
 در هم می آمیزد و حال باید قدرتی سیاسی
 جا نمین رژیم جمهوری اسلامی نیز در ابهام -
 پائی بیاند که انجام نتگاه نظری اپورتونو
 نسیم بهم نهمود. پس گزارش سیاسی می افزایش
 "رژیم جمهوری اسلامی با نفی آشکار حق حاکم
 کیت مردم ایران تحت لوی و ولایت فقیه"
 با ترکیب اشتیاد سیاسی و اختنای مذهبی
 مانع اصلی دمکراسی در ایران است. اما
 کدام قدرتی سیاسی جا نمین رژیم حاکم با پسند
 خود؟ پاسخ همان "حکومت دمکراتیک و ملی"
 حزب نبوده است. بر مبنای چنین نتگاه نظری

سوسیالیسم

نقشانی کردند و با بصر همانند بلکه پس از این طریقی با مارکسیسم که چنانچه اجتماعات یافته رهنمون مبارزه طبقاتی پرولتاریا بر علیه بورژوازی گفته است نه فقط از پیش بلکه از تریون نیز به مسان برهمنده حار- کسب "آکادمیک" را تسلیم کنند و مسلح کسب انقلابی را بگویند به عمده مسیای

- تغییر - لیبرالیسمی از مارکسیسم ارج نهد و بر آنچه که مربوط به "تغییر دادن" است خط بطلان بکشد.

اما تصدیق موجودیت دورانهای مختلف اقتصادی - اجتماعی و تبدیل یک دوران به دوران دیگر الزامه به دنبال خود ساله - تغییر - یعنی چگونگی تبدیل یک دوران به دورانی دیگر را طرح میسازد. برای مارکس - لیبرالی ساله این است که چگونه تبدیل یک دوران به دورانی دیگر را تغییر کند که "تغییر" انقلابی بر آن استوار باشد. متخلوئی تکامل آرام و تدریجی مسک دوران به دورانی دیگر که عینا برای عصر جامعه بکار برده میشود بکنک طلبیده می خود تا انقلاب - و نه البته هر انقلابی - ضرورت تاریخی خود را از دست بدهد. و البته این امر نیز در پوختی مارکسیسم و با استناد به مارکس "آکادمیسم" انجام مییابند - مارکس در نوشته های خود به کرات نقضی نیروهای سولده در تحولات اجتماعی را نشان داده است و انقلابات اجتماعی را تغییرات ناگزیر تضاد بین طبقات تولیدی و نیروهای مولده اجتماعی ایزهایی کرده است بعنوان مثال مارکس در نامه ای به پاول - واولنویچ آننگک در سال ۱۸۶۱ می نویسد: "فرم های اقتصادی که فرموله های انسان ها تولید میسازند و مسرت و بیادگی می نمایند فرسایشی تاریخی و گفرا هستند با بنسب آوردن نیروها و مولده جدید انسانها نظام تولیدات را تغییر داده و با تغییر نظام تولیدی تمام روابط اقتصادی که صرفا روابط متناهی با یک نظام تولیدی معیسی

پرولتاریا و انقلاب

تحولات اجتماعی - انبیاات نموده است که دوران های مختلف تاریخی از یکدیگر قابل شمارنده یک هیچ دورانی استمدی نیست که تحول از یک دوران به دوران دیگر اجتماعات نامی است - مارکس متذکر می شود که "شکال اجتماعی تولید هر چه بافته کارگران و وسائل تولید همواره عوامل آن باقی میمانند و لسی اینان تا هنگامیکه از یکدیگر جدا هستند فقط بالقوه عامل تولید همکار می شوند" برای اینکه تولیدی انجام گیرد لازم است که این عوامل بهم بیوند باشند - نوع و خود ویژه ای که بوسیله آن این هموند انجام میگیرد تغییر یافته دوران های مختلف اقتصادی ساخت اجتماعی است - (کا پیتال جلد ۲) اینطور که ی بورژوازی که نظام سرمایه داری را خود بی آغاز و امدی جا میزند و بدین ترتیب توده ها را به تسلیم عین به نظم میبوسد - لاینسیر - فرا میخوانند به تدریج در مقابل یک ارتقا - مبارزه طبقاتی پرولتاریا و تبیین ماتریالیسم تاریخی از جوامع مرسدرا تنگ با نند - برخی از این ایندولرگها به منلور انطیای با شرایط جدید مبارزه طبقاتی به رفرم ها و تحلیاتی در دیدگاه بورژوازی نسبت به جوامع بشری پرمیباشند - از مارکس "آکادمیسم" تسلیم میماند آمدو - دورانی های مختلف اقتصادی ساخت اجتماعی - به رسمیت شناخته شد.

مارکس در ترم های پهرست لودویک فویرباخ گفته بود که "فلسفه تنها جهان را به عمده های گوناگون تغییر کرده اند و طاق آنکه مقصود تغییر دادن آن است -" در اینجا نیز ایندولرگها تا آنجا که - لیبر - دورانی های مختلف اقتصادی ساخت اجتماعی - طرح است میفرمایند که تنها مارکسیست - بافته بدون آنکه از اینسین - مارکسیست - بودن - سرمایه داری چهار

است - نیروهایی که صرفا پرولتاریا است هستند از گونه های مختلف اند و جایگاههای متفاوتی در تریون طبقاتی پرولتاریا است دارا هستند و هر چند که این نیروها با دلیل و انکال گوناگون وظایف اساسی انقلاب و سرعت سیاسی را فرموله میکنند لیکن در اساس از - یک متخلوئی همروی میکنند و نتایج معیسی اساسا یکسانی را سر پیش برد جنس بسیار می آورند - گوناگونی ادله - اشکال ارائه و فرم موی بندی اینان از انقلاب و قدرت سیاسی و حتی نشانه های نیز و فرمت این نیروها با یک دیگر که صرف نظر از ظاهر عین و پرمطای گزانه آن ماهیقا در یک چارچوب قرار داده نباید سر سر ساله اساسی مورد بحث - سایه افکنده متخلوئی پرولتاریا است در تیمسین انقلاب و قدرت سیاسی مبتنی است بر متخلوئی نتولوات اجتماعی آرام و تدریجی و تبیین جهت اکونومیسم و "تئوری سراجل" پلمانی نیز بنا ی سیاست های عملی میگردد که نتایج حاصله از آن عبارت است از: تبلیغ رفرم سیاسی انقلاب - القیضی رهبری پرولتاریا و خرید پرولتاریا بر اساس رعایت - نوبت - و تکه باره کردن انقلاب و پیش گرفتن سیاست کسب همروزی های بجزئی بر مینا تا کنیک برهمنده - برآیند عمل کرد این بختی - جنو گیری از ایجاد ضد متخلوئی طبقه کارگر و انسلال طبقاتی است - از متخلوئی این جریان که مبتنی بر سر نتولوات اجتماعی آرام و تدریجی است آغاز می کنیم - همه اصلی و فصل مشترک متخلوئی نیروهای پرولتاریا است راست را تکامل گرانی تدریجی تشکیل میدهد - این جریان - به پیش لیبرالیسمی از نتولوات اجتماعی را با پوختی مارکسیستی تمسین میدهد و بدین طریق رسالت خود را در خدمت گذاری به پرولتاریا بر برای یک نتایجات سرمایه داری انجام میدهد - دیدگاه - اکونومیسمی این جریان مبتنی است بر قوانین عمای و سر تاریخی - جهانی نتولوات دوران های تاریخی و انطیای تفری و کلیه ای قوانین عام حاکم بر تبدیل یک دوران تاریخی به دوران دیگر به جوامع معیسی و در اینجا به جامعه ایران - مارکسیسم در تبیین مسیسی

زندگی با سوسیالیسم

سوسیالیسم

برولتاریا و انقلاب

مشتند تغییر می باشد. " تحریف لبرالیسم مارکسیسم ظاهراً نقطه توت خود را بیستاد استناد به مارکس یافته است. رعد نیروهای مولده (که برخی از نیروهای جریان اپورتونسم راست آنرا تا حد رعد ابزار تولید تشکیل میدهند) آنجا که کلبه‌ی مرموز که توسط آن انقلاب بر جا آمده مشخص را می توان تعیین کرد. اپورتونسم راست دشمن و واپس‌اندازی انقلاب بر جا آمده را با ناء کلبه خود - برجه رعد نیروهای مولده - بلافاصله می تواند ارزیابی کند. اپورتونسم راست بر مارکس تکیه میکند که گذشته بود " هیچ یک از فرمایشونهای اجتماعی تا بقصد نمی‌نویسد مگر آنکه همه امکانات خود را برای رعد کلبه نیروهای تولید همان به اتمام برسانند یا خند " پس از دیدگاه اپورتونسم راست ابتدا باید در هر جامعه فرمایشون اجتماعی موجود را گسترش و توسعه داد تا با رعد نیروهای مولده آن جامعه برای تحول به فرمایشون جدید آماده شود. اپورتونسم راست آنچه را که مارکس در مورد سیر تحولات توالی فرمایشونهای اجتماعی از دیدگاهی تاریخی - جهانی مطرح نمود است همه را جامعه مشخص و تری می‌داند. از این دیدگاه اکنون باید سرمایه داری در هر جامعه مشخصی را باید تا امکانات تحول به سوسیالیسم از طریق رعد نیروهای مولده بیرون همان جامعه مشخص فراهم نمود. این دیدگاه توانمند همان را که حیث عمومی تکامل و تحول یک فرمایشون اجتماعی به فرمایشون نوین و توالی مراحل آنرا بطور کلی مشخص میسازد به توانمند خاص تحولات اجتماعی در یک جامعه مشخصی کاملاً منطبق می‌نماید. در طول هیات مارکسیسم اپورتونسم - سه بر پایه چنین دیدگاهی که در پشت آن مواضع نیروهای خیر برولتری نهفته است - همواره با اشتداد به توانمند همان تحولات اجتماعی به احکال گوناگون خود را باز سازی کرده و در چنین انقلابی طبقه کارگر اخلال نموده است - گرایش سلط بر اکثریتاجونال دوم (که بدست توسعه سلج آمیز سرمایه داری در آن زمان موجودیت خود را توسعه میکرد) بر این چنین بدین اکتونومستی

بر آثاری چون - فر تاکتیک - " - ترمهای آرمیل " و - بولت و انقلاب " جهان بینسی ماحبتاً متفاوت خود را از بدین اکتونومستی مشربکها نشان دادند. حال آنکه اکتونومستی در تمام این انقلابات و تحولات با بهره‌گیری از ماء کلبه همه جا حاضر خود و با اشتداد به مارکس و خواهان رعد نیروهای مولده از طریق بط سرمایه داری بیمان نمود. کلبه خود بودند و هم عودتاً بر سر رعد و رجوع مواضع بط سرمایه داری و تبدیل " تیزی " های آن - گذاشته بودند. مقایسه این مارکسیسم تحریف شده با بدین مارکس در مقابل تحولات سیر جامعه مشخص و خود و دهنگر عملی تحریف لبرالیسم است که در مارکسالیسم تاریخی از سوی اکتونومستیها صورت گرفته است. برای این منظور ما فقط بیک نمونه از تفسیر مارکس به تحولات اجتماعی اشاره میکنیم. مارکس در نامه‌ای به هیات تحریریه روزنامه " آنتیپوتنیه زاپسکی " در سال ۱۸۷۷ به مقال آقای زوکسکی که اظهارات مارکس براساس تحولات روسیه را مورد نقد قرار داده بود پاسخ میدهد. در این پاسخ مارکس بیای اشتداد کلبه‌ای به توانمند همان تحولات اجتماعی با توجه به شرایط مشخص روسیه آن زمان و میسود آبیتهای (گونهای معنایی) میسود: " من به این نتیجه رسیده‌ام که اگر روسیه راهی را که از سال ۱۸۶۱ دنبال کرده است ادامه ندهد بهترین موقعیتی را که تا کنون تاریخ در اختیار طبقه کارگر داشته است از دست داده و مستحق تمام بدستبردگشتگیهای سستی سرمایه داری خواهد شد. " این نظر را مارکس زمانی مطرح ساخته که هنوز سرمایه داری در حال اختلا بوده و به دوران اختلا رسیده نرسیده بوده یعنی در زمانی که اکتونومستی با اشتداد به مارکس تحریف شده ظاهراً فیلد بودند که خواهان بط سرمایه داری در روسیه باعنده آما مارکس در همین نامه ضمن تشریح سستی از توسعه سرمایه داری در اروپای غربی میسود: " حال بهترین نقطه من چگونه میتوانم این تحلیل تاریخی را بر مورنوسه بکار برد ؟ بطور ساده اینکه اگر روسیه بطور همانند و بدیناله روی از اروپای غربی به

استوار بود و کانوتکس پس از ارتداد کامل خود از مارکسیسم به تمسب همین بینشی برافحت در روسیه مارکسیستهای تاونسی و اکتونومستی و مشربکها همین بینش را در - بهم کارگران تبلیغ میکردند و آنان را به ششستن از انقلاب فرامی خواندند و اکنون در اینجا نیز حداشتمین انقلاب پررزا - دمکر - اکتیک و اتحاد با پررزاوی برای - سرمایه داری و رعد نیروهای مولده همین بینش را به پیش میکنند. تحریف لبرالی از مارکسیسم به منظور خارج کردن سرمایه داری از زیر غرب سارزه - طبقاتی هدفمند برولتاریا صورت گرفته و میگردد. این تحریف که اکتونومس را بیبای مارکسالیسم تاریخی می‌نماید مارکسیسم را به حد بشیر لبرالیها تقلیل می‌دهد و - تبدیل میکند. آما برخورد مارکس و انگلس ضمن به جوامع مشخص مبارزه طبقاتی مشخص و انقلابی مشخص به روشی بدین متفاوت اینان را از اکتونومستی نشان میدهد. نه مارکس و نه انگلس توانمند عام تکامل اجتماعی را که خود واضح بودند بصورت کلبه‌ای و قدرگرایانه به انقلابات اروپا در سالهای ۵۰ - ۱۸۴۸ و ۱۸۷۱ بارسیس - نمادند. مارکس در اثری میسود " مبارزه طبقاتی در فرانسه " " هیجتم پرور لوتی بناپار " و " جنگ داخلی در فرانسه " از عرایس بط مشخص موجود اجتماعی آغاز میکنند با توجه به روند مبارزه طبقاتی و صف بندی طبقات و توان یافتن و نیز بال فعل طبقات و اقرار اجتماعی به تسلیم " انقلاب " می‌پردازد و تاکتیک کمونستیها را بر این اساس پیشنهاد میکند. انگلس نیز در تطویل خود از انقلاب آلمان که در یکساله حلات تحت عنوان " انقلاب و ند انقلاب " منسک گفته است همین اسلوب را بکار میبندد. همین و بلوکها نیز چه در انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و پس از آن و در سال ۱۹۱۷ هم در حاستهای عملی و هم

سوسیالیسم

پرولتاریا و انقلاب

بنا کنند سرمایه داری سبب شود - که در چند سال اخیر هم در این مسیر مشکلات فراوانی متحمل شده است بدون اینکه ابتدا تصادف قابل توجیهی از معنائان خود را به پرولتاریا تبدیل نکرده موفقیتی نخواهد داشت - بعد هنگامیکه در کردار سرمایه داری غری کریمه و مانند سایر ملیتها و ملیون ملزم به تسلیم توانین بصرم آن میباشد همین و بس - ولی برای متقاعد من این بسیار کم است - او ابرار دارد که تحویل تاریخی مرا از شکل گیسبری سرمایه داری در اروپای غربی چه یک تئوری تاریخی - فلسفی در مورد راه عمومی تحولی بعد کشورها که بدون توجه به شرایط تاریخی مشخص آنها بوسیله تفهیر نیروی زده استمد تبدیل نماید با این مستلزم که بهیچراغ منظم ترین توسعه نیروی و تولید کار اجتنابی و کامل ترین تحول را برای بشر نشین نماید - و از ادامه میدهد که گن با استفاده از یک تئوری تاریخی - فلسفی که ویژگی نسوقی الهامه ای شامل لوی تاریخی بودن آن نیز می شود و بکار بردن آن به عنوان یک مابله کننده مرکز نمیتواند به حد برسد -

روجه - بهیچراغ منتمی را که تا کنون تاریخ بر اختیار سالی گذاشته بود از حد داده توسعه سرمایه داری کون های معنائی را از هم بافانده - این تحولی را که مارکس و ستر انگلس در مورد روسیه حد بندی بیوسوع نیویست اما بر سر همین امر و نیز تحولات آن روسیه دیدگاه اکتونومی و انقلابی خط و مرز کاملی بنا پیروز خود را نشان دادند - اکتونومیستها (مارکسیستها و لئونی) و ملهوبکیها (و...) به یک نظر مابله لیبیرالی بر مابله و خواهان بسط سرمایه داری در روسیه تحت رهبری پیروز وازی و از طرفین همان راه شناخته شده که اروپای غربی طی کرده بود شدند - اکتونومیستها با عدم تحقق امکان تحولی که مارکس برای روسیه مطرح کرده بوده به تمسبی نظریه اکتونومیستی تکامل ضروری سرمایه داری پرداختند - بعنوان مثال ران کول اکتونومیست رهبر حزب اول نیکمرا تها ی هلند در کنفرانس بیسین الملک دوم آسترهام اظهار نمود که - فرضیه مارکس که بوسیله آن بعضی کشورها تسامع خواهند بود (حتی اگر حدود هم باشد) در

تکامل اقتصادی عموماً از مرحله سرمایه داری منسب کنند منبر واتی از آب درآمد - ملل ایستاتی تنها با چه فرجام رساندن ایسین مرشد به تمدن خواهند رسید - از اینسرو رشته ما جلوگیری از تکامل سرمایه داری - این طبقه ضروری در تاریخ بشری - نیست - همین معنا بود که مشوبکیا نیز بسیاری نشانی سرمایه داری پیوسته کلایک در روسیه - به چنین کاری ستاره نزدیکان نبود پیروز - وازی به تشریحی می نگرینتند - حال آنکه مشوبکیا به رهبری لنین با توجه به فروپاشی کون های معنائی و توسعه سرمایه داری در روسیه که لنین در اثر خود تحت عنوان "توسعه سرمایه داری در روسیه" به تشریح آن پرداخته بود - به این نسبت مشوبکی در نتایجتند که چون انقلاب پیروز را - دمکراتیک - کشور قرار داده باید پیروز وازی رهبری انقلاب دولت را در دست داشته باشد - پیروز نکر بلشوبکیا با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی اساسی انقلاب و توانی لیاقت نشینت به تدوین نظریه "دیکتاتوری دیمکراتیک" انقلابی پرولتاریا و معنائان "پرداخته در تأکیدی خود را بر آن اساس قرار دادند - و پس در سال ۱۹۱۲ زمانیکه مشوبیم منصور تاکنکیها هنوز را بر سبب سرمایه داری در این طریق رشد نیروهای اولیه جهت کابل کردن "این طبقه ضروری در تاریخ بشری" بنا نهاده و نیروهای انقلابی را به جمعیت پیوند - وازی در آورده لنین و بلشوبکیا نوسبای آوری را در مقابل آن قرار دادند و انقلاب اکثر را که از دیدگاه اکتونومیستها بسک گناه کبیره به حساب می آمد به پیروزی رساندند - برخلاف دیدگاه اکتونومیستها که - این طبقه ضروری در تاریخ بشری را معنا و تمام و کمال برای تمامی جوامع نیویز کرده نسا - همه امکانات خود را برای رشد کلیه نیروهای تولید معان به تمام رسانیده - و تنها بر از طی این مرحله تکاملی زمینه گذار به فراسوی اجتماعهای دیگری هموار شود -

لنین - بر از انقلاب اکثر به بر زمینه ضروری انقلابات پرولتاری و با تکیه بر تئوری "انقلاب در ضیف ترین طبقه زحیمر امین - بالینت" - طالب به کونستیهای کشورهای عقب مانده ماور می گوید - آنها با با این فرض را که مرحله سرمایه داری تکامل یافتگی برای ملهائی که در راه آزاد سازی خود کام بر می دارند و منتشر بهترین بسوی تری در دوره بر از جنگ در معنائان بوده می شود فرض درستیندانت؟ پاسخ ما منفی بود - اگر پرولتاریا و انقلاب پیروز زده - تبلیغات منطقی در میان آنها بکند و حکومت مای عورتی با تمام امکاناتی که در اختیار دارند به کشتن میبایند - در این مسورت احتیاط خواهد بود اگر گمان کنیم که ملت های عقب مانده باید بطرز انقلاب نا پیروزی از مرحله سرمایه داری بگذرند - ما نه فقط باید پیروز وازی و سازمانهای حزبی مشغول در مشمرات و کشورهای عقب مانده بدید آوریم - نه فقط باید تبلیغ بفتح خورا های معنائان را آغاز کنیم و بگویم آنها را با شرایط معان از سرمایه داری مابلهت - معیم - بلکه افترا حیوانی کونستی باید تا بالوده شوریک مناسب - این قسمه را مطرح کند که کشورهای عقب مانده با کسک پرولتاریا و کشورهای پیوسته می توانمند وارد نظام خورائی خود و با پشتسر گذاختن چند مرحله تکاملی - بی آنکه نیازی به پیروز از مرحله سرمایه داری باشد - به کونستم برسند - (لنین و میومه سخنرانی معان در کنفرانس و افترا حیوانی کونستی) - در حالیکه خط معنی لنینی انقلاب برای جوامع عقب مانده عبارتست از استقرار نظام خورائی و دور زمان سرمایه داری تحت رهبری کونستیها - خط معنی اکتونومیستی خود را معنی می باید که بملت تسلط نظامات مابله سرمایه داری و درجه نازل سطح رشد نیروهای مولده انقلابات پیروز را - دمکراتیک تر از کسین را برای طی کردن "این طبقه ضروری در تاریخ بشری" برای این جوامع نیویز کند - اکتونومیستها گذارند - این طبقه ضروری در تاریخ بشری را به تمامی جوامع تسامع می دهند -

گروانی و جنگ قدرت

آورده تا این زحمتهای دولت را بپذیرد که باید بود. بیشتر گروانی یعنی «کند و آهسته» بود. این سیاستها مبارکند از تنظیم قیمت برخی از کالاها (که حدود ۴۱ کالا قیمت گذاری شد)، تنظیم سهم بندی کاشتن از میزان سرسبزی که دولت پزناخت می کند و افزایش مالیاتها و رقتیانی بود. داد که بیشتر از میزان سرسبزی کاشته خواهد بود و مثلا سرسبزی که برنفت سرزنی، نان، روغن و غیره تعلق می گزیده حذف خواهد شد. یعنی مصلحتهای نوع کالاها از ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ درصد باید افزایش یابد. در مورد مالیاتها نیز رقتیانی برای آنانکه مالیات خود را نمی پردازند عطا و تقان کند.

جناح دولت قصد داشت و دارد که سرسبزی گروانی و فقر روز افزون و شمسبزی و ریشکستگی مالی و اقتصادی دولت مبارزه علیه جناح بازار را تحت پیغمد و قبضه از آن که انتخابات مجلس شورای اسلامی فرا برسد جناح بازار را از یکسوی مواضع اقتصادی و نیز سیاسی کنار بگذارد. در این مبارزه

در عین حال تبدیل وضعیت اسفبار بودیسه دولت را هم بر نظر دارد. بنابراین از زمان آغاز فتوای «مبارزه» با گروانی و احتکار و مبارزه در جناح عمل می کرد. در همین زمینه روزنامه جمهوری اسلامی در هر مقاله ۷ مهر ماه از مقاومت و مقابله طرفداران سیاسی کسانی که در بازار به سودجویی مشغولند سخن می گوید. روزنامه جمهوری اسلامی ساله مبارزه با گروانی و احتکار و استغیاب به مبارزه بطریق کسب مواضع کلیه در دستگاه دولت وصل می کند و می نویسد که جاسبان بازار «در تمام دستگاههای سیاسی دولتی نفوذ دارند. در دستگاه قضائی هم ستانی دارند». دولت بکمیته قبل از این اعلان روزنامه جمهوری اسلامی کار مقابله در جناح که اعتبار از کاتال مبارزه علیه گروانی می گرفته در مجلس شورای اسلامی به دنبال کشف عدالتها و طرفداران جناح دولت با پرونده های بسیار عده از سو

استفاده «کسانی در بازار» که در مجلس طرفداران سیاسی «دارند قصد انقلابی داشته اند که توسط محمد پزوی نایب رئیس مجلس، یکی از همان طرفداران سیاسی جناح بازار از آن جلو گیری شد. در مقابل

این تهاجم جناح دولت «طرفداران سیاسی» و نیز «مجلس» جناح بازار هم با صفا کردن پرونده های از اقدامات شرمناک جناح دولت به مقابله پرداخته اند.

در حالیکه رژیم جمهوری اسلامی صیحه جناح و بدبختی ها و فقر روز افزون توده ها است و هر جناح می گوید بر زمینش و نصیب موجوده جناح دیگر را حامله لیا به و فقر گروانی سرزنی کرده و از این طریق موقعیت خود را در دستگاه حکومتی بهبودی کند و یا مواضع کلیدی جدیدی را بپوشک آورد. مبارزه ای که جناح دولت علیه گروانی گروانی و احتکار برای انداخته است اساسا هیچ نیست و جز تقلیل سهم جناح بازار است در آنجا و سونما و نیز عالی کردن زیربانی در مبارزه سیاسی که در دور جدید بر سر کسب کرسی های مجلس شورای اسلامی چرخان دارد.



پرولتاریا و انقلاب

عین این مصلحتی از سوی اپورتونیسیم راست در مورد انقلاب ایران بکارگرفته می شود. اپورتونیسیم راست ماه گذشته درجه و بدبختی های مولده را برای تهمین انقلاب ایران رها نمی کند. ساختار اقتصادی - اجتماعی ایران مشخص می کند که از آن بتواند ضروری ازت سر گذرانند. این طبقه ضروری در تاریخ پستری را در مورد ایران نیز استخراج کنند با انکاه به «نازل بودن سطح رشد نیروهای مولده» که هیچ ملاک کسی نیز برای تشخیص

آن نمی تواند عزمه بخارده. انقلاب پوزوا - دیکراتیک طراز کهن و دولت مسمول پوزوا را تشبیه گیری کند.

بطوریکه از این خواهد تاریخی معاهده می شود کینه نظریات اکونومیستها در همه حال به سط متعاضات سرمایه داری و از این طریق رعد نیروهای مولده علیه می شود.

اکونومیستها البته در حرف مفکر موجه لبم نیستند و ظاهرا اعلام نیز نمی دارند که سرمایه داری را می نفع طالبند. اکونومیستها اما تحول به سوسیالیسم را موکول به بسته کامل متعاضات سرمایه داری و رعد نیروهای مولده میکنند. و این امر را در هر زمان و تحت هر اربطی (همچنانکه نمودند) می

تاریخی بنهار گواه آن است) هدف خود قرار می دهند. از این لحاظ تکامل گروانی قدری سمت معسسه اکونومیستها میگرد.

افاجه دارد

توضیح:

بطقت کثرت مطالب در این شماره اما مقاله «بولتن» گروانی برات در مقابل با تپلیسم» در شماره آتی نرج خواهد شد.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی سیارات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

جنگ و انقلاب و تزلزلات ذاتی راه کارگر

دیگر طالب گرفتن عاریست رژیم (پهنش)
جنگ) و با بیامارت دیگر تمسبل ملج به رژیم
فقط میگردد و بعد راه کارگر طالب ملج
خواستار جنگ داخلی و شکست حکومت هوئی
میگردد. و هنوز عرق آرزای همین کمپن شمار
جنگ داخلی جنگ نندد که بان پا ندول به
این دست و آرن دست به توان بر می آید.

با این وجود رشته های زرد تمامی این
سیاستهای تند و تیزی و پان دولی راه کارگر
را بیکدیگر وصل مینماید و بدگیری راه کار
نیز در همین رشته است: مسکن طلایی راه کارگر
به مطالبات مسکن و قابل وصول اعتقاد دارد
و شناخت این مطالبات را از طریق در دست
داغتن نمی تونه اما تونج میدهد. آتم نین
توده ها از زاویه دید راه کارگر. بر حقیقت
موضع دفاع طلایی راه کارگر در جنگ دولتهای
ایران و عراق. در دوره آغازین جنگ. با
همان تلاکی کپ گردید که موضع تبدیل جنگ
ارتجاعی به جنگ داخلی الهی آخر. از همین
رو است با وجودیکه راه کارگر بر موضع دفاع
طلایی امر اعتقاد نموده است و لیکن حمایت
خواستار این تغییر حاصل نموده است. دنباله
روی از هر حواصت و امر لحظه ها عین به
توجیه "تحلیل محض از شرایط محض" و
"واقع گرایی" مبنای تمامی سیاستهای
شناختی راه کارگر در طول جنگی است که در
ماهیت این تفاوتی اساسی صورت نگرفته است.
تنها بررسی مختصری از مواضع راه کارگر از
هنگامیکه بخود جرأت داد و عصار تبدیل
جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی را طرح نموده
روشنگر نموده موضع گیزی راه کارگر نسبت به
جنگ ارتجاعی است.

بگذارید شرایط و دلایلی که بر مبنای
آن راه کارگر شمار تبدیل جنگ ارتجاعی به
جنگ داخلی را عنوان نمود از زبان خودش باز
گو کنیم. حدود یکسال پیش راه کارگر در
بست و محصن شماره نشریه ای در مقاله
"مرحله جدید در تقادم جنگ ارتجاعی و سیاست
ما در قبال آن" - برای اولین بار بطور

میگردد راه کارگری که به جنگ و انقلاب
بستری در ساله میزا از یکدیگر بره خورد
سکرد و هیچ هموندی ساینه بیان بعدین
به جنگ و سرنگون سازی رژیم نگزیده خواستار
تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی میفود.
اما اینجا خواهد بود اگر تصور خود که
راه کارگر در این موضع این ثابت قدم بسوده
است. راه کارگر که تبدیل جنگ ارتجاعی
به جنگ داخلی فرا گرفته بودی و حدود بسک
حال نقل با تودید این سیاست را بشناخته
سیاست اصلی برای مقابله با جنگ ارتجاعی
طرح نموده پس از آن و همین پا ندول مانت
سیاست تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی و
سیاست تمسبل ملج به رژیم فقها تر توان
پرست و بالافتره اخبار راه کارگر که
از بیخ توده ها برای تمسبل ملج به رژیم
فقها نا امید شد است تا کنیک جمعی را بر
پارچوب همین سیاست اتخاذ نموده است.
سیاست تمسبل ملج به رژیم فقها از طریق
ساخت بین المللی

چرا مواضع راه کارگر چنین سبک و خند
و تیزی است؟ زیرا که اولاً راه کارگر اساساً
از موضع خرد بورژوازی به جنگ (ها نندد
سایر مسائل اجتماعی) مینگرد و بر همین
اساس نیز تحلیل ها و سیاستها بر این نامه
سیاست را در خود حل میکند. تا سبک
گرایان متعدد متجمع شده در راه کارگر نه
لفظ در زمانها و مراحل مختلف جنگ که حتی
در یک مرحله و یک زمان سبب ارا نسیاست
مای شد و تقیض مینود. و بالافتره ثالثاً کپ
خود نیست از در عامل نوی سباعده راه کارگر
بتخلیل ها و مواضع اثر با سیاستهای
رقمبندی و خواستهای جزئی و مسکن و قابل
وصول ملک میخورد. بر همین مینا است که
راه کارگر زمانی دفاع طلب مینوده زمانی

نند آفتنگی و مرهم اندیشی امر واقف شد.
کافی است فدا به ستره راه کارگر شکامیسی
انگنده نمود تا هر کردک فدا نش به الفیقا
علم مبارزه تلقانی آفتانی داده نموده
بود که با چه آفتنه بازاری روسرو است
راه کارگر که نمیتواند مواضع این را نیست
به جنگ بر مبنای ماهیت جنگ و مطالبات
پرولتاریا در قبال آن تمسبل نماید و بسیر
این پایه سیاستهای رسمی را به پیش
کنده تحلیل ها و مواضع این را بر مبنای
تراکم مواضع رادیکالی که در هر بره ای به
یک است سنگمی میکند ترا میفود.
راه کارگر زمانی که تراکم مواضع
رادیکالی بر افشال "سرمخین آبا و اجداد"
سیط دولت عراق حکایت دارد و توده های
مردم را "ب دفاع طلایی انقلابی" فسر
گرفته است دفاع طلب مینود و بر حقیقت
سیاست دفاع از جمهوری ایس را در قبال
دولت عراق بهینه میکند. و زمانی بسوده
دستی که ساله ملج در سفر فسر های
پوشی قرار میگردد راه کارگر مفادی سیاست
تبدیل ملج به رژیم فقها میگردد و مسر
سیاستی را که بین جنگ و انقلاب جنسک و
سرنگونی رژیم ریب و بهوند برتر از سارده
سپ روانه و آفا رخصتی میخواند. جنگ ایامه
سی باید و بدون اینکه در ماهیت جنگ و مواضع
پرولتاریا نسبت به آن تغییری حاصل نموده باشد
راه کارگر در بره ای دیگر به یک گره ۱۵۰
درجی در مواضع این نسبت به جنگ روی سس
آورد. راه کارگر که مبارزه در راه خواستهای
جزئی و مطالباتی مسکن و قابل وصول را مواضع
سکرد که خواستهای بلاواسطه توده ها را از
امر سرنگونی رژیم جدا مینود و برقراری
بهوند مستقیم بین خواستهای بلاواسطه و سایر
توده ها و خواست سرنگونی رژیم را محکوم

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

جنگ و انقلاب و ...

مستقیمی عمار تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی را شرح میکند: « هر چمن شرایطی بوده‌های مردم برای فرار از جهنم جنگ را گریز می‌نهند مستقیماً با موجودیت رژیم جمهوری اسلامی رد در رو عودت، تبلیغات انگلیزی می‌تواند و باید عمار ملح را بر - ارتباط کاملاً تنگ‌تنگ با عمار سرنگونی رژیم شرح کند و از آنها که خوانان مایان باطن این منشا ارتجاعی هستند بخواهد که سرانست بافتن به ملح و علیه سیودیت رژیم جمهوری داخلی بپا بزنند، ما باید این جنبش‌ها را به توده‌ها سگوشیم که آن‌ها که سلاح می‌خواهد باید برای جنگ داخلی و سرنگ رژیم آماده خود را راه کار را، بین می‌کند - هر کس که فارسی به این کفشت چندین سال از آغاز رو فر روی توده‌ها با رژیم جمهوری اسلامی و جنگ که در تظاهرات شهرها (مرفول و تهران و بروجره و...) نمود با رزی یافته بود به این ترک ناشی نبود که با - تبلیغات انقلابی عمار ملح را هر ارتجاع کاملاً تنگ‌تنگ با عمار سرنگونی رژیم شرح کند. راه کارگر به این گشتن از - جنگ تازه به این عمارت ستمی باید که - باید این حقیقت را به توده‌ها سگوشیم که آن‌ها که ملح می‌خواهد باید برای جنگ داخلی و سرنگونی رژیم آماده خود را راه کارگر که تا قبل از این تاریخ « انقلاب » را پدیدین جنگ که همین برقراری ملح و سرنگونی رژیم ارتباط برقرار، می‌نمود و بر این نکته تأکید داشت که « باید این جنبش‌ها را به توده‌ها سگوشیم که آن‌ها که سلاح می‌خواهد باید برای جنگ داخلی و سرنگونی رژیم آماده خود » و عمار اصلی این بوده است که « برای برزاری ملی دسکراتیک باید جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم » بدنگت و آثار است می‌خواهد ظاهر به این امر واقف می‌نود که « باید عمار ملح را در ارتباط تنگ‌تنگ با عمار سرنگونی رژیم شرح کند.

تأ راه کارگر مسکن طلب، همان‌سایا پاسخ خواهد داد کمرباط محض را از بساد نمرود (آری تحلیل عمار از شرایط محض) راه کارگر نیز می‌ماند که با مطرح نمودن مسائل کلی که از دید هیچ‌کس پوینده نیست (هر چند راه کارگر حدود یکسال پیش به این حداقل کلی واقف شده باشد) نمیتواند « شرایط محض » را برای طرح این عمارت و یا کند. بدین ترتیب تئوری راه کارگر برای بافتن « شرایط محض » آغاز شده تبلیغات رژیم و تراکم امواج رادپوتی بر رو. این تبلیغات از فروردین ۱۶ در شماره « فتح زویه » و « بکسر کردن کار جنگ » حیثاتی برای راه کارگر گردید. مبنای دست یابی به این حقیقت که « آن‌ها که ملح می‌خواهد باید برای جنگ داخلی و سرنگونی رژیم آماده خود » این مبنای آناه نسبی تر است کار ساز باشد. راه کارگر هم ظاهر را خودی می‌تواند که با جنگ داخلی به جهنم رساندن بختوارند طلبی برای اعلام عمار جدید نمیتواند فراهم کند. تکیه به - عله جدید جنگ - « بی آنکه در ماهیت جنگ و خطوط اساسی آن تغییر حاصل شده باشد - عمارت بخت بند عمار تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی و بی‌ساز اندازه ست و بی - شعور بود. از همین رو بود که راه کارگر تئوری خود برای بافتن « شرایط محض » بسط داخلی دیگر سیر ادامه می‌کند و می‌نویسد: « اکنون که رژیم مستقیماً در رابطه با آماده شدن به سرکوب آشکار توده‌ها در مردم می‌زند و برای تأمین بوسه جنگ و تر آثار است ما را بر بند و توده‌های وسیع مردم را به گرسنگی می‌کشد می‌نارد به هر چه گشوده در مردم بسو سرانست روین تر از گذشته در می‌باشد که موجودیت رژیم جمهوری اسلامی مانع اصلی پایان این منشا ارتجاعی و جهتی است. »

به نفع سیرا منقولی : تو گری گسه راه کارگر ما عدی القصر کرده است | رژیم راه کارگر رژیم جمهوری اسلامی فقط از آغاز « مرحله » بدست آورد « مرحله » در رابطه با آماده شدن به سرکوب آشکار توده

ها و مردم ست می‌زند - این دست است نه ادامه جنگ و تشدید آن بر بار مشکلات و ستم‌های تازه ها از طرف رژیم این مبنای بعضی های هر چه گشوده تر مردم در بافته و در می‌باشد که رژیم مانع اصلی پایان این جنگ ارتجاعی و جهتی است. اما وای بحال آن نیروی که تحلیل‌ها و مواضع خود را در ارتباط با عمارت ملح - آگاهی - مستقیماً ساده‌ترین افکار مردم متکی کند. راه کارگر چنین میکند. چرا که راه کارگر نیز معیون عقب مانده ترین توده‌های مردم و وقتی به ماهیت جنگ می‌برد و با منظور اغلبی با توده‌ها مطابق جنگ را بطرز علمی اظهار میکند که تمامی توده‌های آن جامعه را فرا گرفته باشد، و گرنه هر کس که اندکی شعور سیاسی داشته باشد و انتظار چنین شعوری از راه کارگر روا است. می‌داند که از این‌ها بی‌بانی جنگ ارتجاعی « رژیم مستقیماً در رابطه با آماده شدن به سرکوب آشکار توده های مردم است » و « کسی که رابطه بین جنگ و سرکوب توده‌ها را از آغاز » مرحله جدید جنگ - ترسیم میکند تنها نشان می‌دهد که نه از ماهیت جنگ نه از ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و نه از ارتباط این دو با یکدیگر هیچ شناختی ندارد. راه کارگر - زمانی به رابطه مستقیم ادامه جنگ با سرکوب توده‌ها اذعان می‌کند که این رابطه کاملاً در همه جای این کشور شده باشد. بجز این کوتی راه کارگر ما می‌داند که از ماهیت جنگ و توده‌های دانش آن در تمام طول دوره جنگ و به دست در « مرحله جدید جنگ » به ارتقاء مستقیم این دو با یکدیگر ناآشنا کرده. این ناآشنا نیز نمی‌تواند « شرایط محض » برای راه کارگر ایجاد نماید تا بر مبنای آن اعلام تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی را توجیه کند.

بسی راه کارگر جهل و پست‌های دیگری را بسود می‌طلبید و می‌نویسد: « تفاوت جنگ ارتجاعی کنونی و تفاوت آن نه تنها موجد تفاوت جنبه انقلابی پرولتاریا و دسکراسی را فراهم نمی‌آورد بلکه ابزار مستقیم سرکوب این جنبش در داخل کشور و مهاجرتدن

سوسیالیسم

جنگ و انقلاب و ...

شرایط فارتگری سرما به ناری است. نی الضل همین فتوحات و اخیر ۸ و ۹ را در نظر آوریم آیا براساسی بزرگترین "جمهوری" رژیم در ماههای اخیر فتوحات و الفبر ۸ و ۹ بود یا اغراضاً و منبسی کارگران؟ از این رو کارگران و زحمتکشان و معناتان نفسی از این فتوحات نس برده نفع آنان در شکست حکومت مودی است. آری! آری! نفسی کارگران و زحمتکشان زحمت حکومت خودی است. در سرنگونی رژیم جمهوری استعماری است. اما از چه زمانی؟ از زمانی که راه کارگر به این بهم رسیده است؟ غیر این جنگ ارتجاعی از همان آغازین استعمار مستقیم سرکوب جنبش در داخل کشور بود. این جنگ ارتجاعی و نه فقط تمام آن. از همان آغازین، اگر بخواهیم بزبان راه کارگر سخن بگوئیم، مومبایات تقریباً جنبش انقلابی پرولتاریا و همکاری را فراهم نمی آورد. همی از همان زمانی که راه کارگر پرمج دفاع طلبی برانراخته بود، این جنگ ارتجاعی استعمار مستقیم سرکوب جنبش بود. راه کارگر می گوید که کارگران و زحمتکشان نفسی از این فتوحات نس برنده آرو نمی برنده از همان آغازین نس برنده و تازه راه کارگر حدود سال پس پس از اینکه بحرهای وحشی از سردم به تعبیر و نیز کار آگاه کرانه دریا فته اند که پس با یاهان جنگ و سرنگونی رژیم با بسند میوند زنده بشکر شکست حکومت خودی استاده است. راه کارگر از فتوحات و الفبر ۸ و ۹ نس می گوید، اما "مومبا" "مب آن به می نیوی؟ الفبر بک و نو و همبره چه میبود؟ آیا مبل از آن کارگران و زحمتکشان از این فتوحات نسبیری می برند؟

راه کارگر نمی تواند هیچ "غراضاً منس" بگفت جدیدی را برای روی آوردی به شمار نیبند جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی ترسیم نماید. با این وجود اگر راه کارگر با وجود تأخیر در طرح این شمار به حقیقت و ضرورتش می می برد و از آن پس تا کنون ها و شواصع خود را نسبت به جنگ براساس مینا استوار می کرده گامی به پیش بود با

راه کارگر چه در زمان طرح این شمار و چه پس از آن به آگاه ترسین عکلی نشان داد که با یور مرجع مستقیم و ناطع نمی تواند به تاکنیکها و مواضع انقلابی روی آورد و به آن پایبند باشد.

راه کارگر در همین مقاله راه گریز و برگشته شمار "تحلیل طرح به رژیم فقیها" را باز می گذارد و می نویسد:

"بی آنکه از اهمیت شمار طرح پستاید عماری که خواستی وایطه وسیع ترین توده های مردم را بیان می کند غفلت کنیم و بی آنکه از وزن این شمار بگامیم و همچنین بی آنکه با یان این جنگ مشخص یعنی جنگ عمار را ضرورتاً منوط به سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی از یاهای کنیم با تبلیغ متزاید برای انقلاب احساسی به جنگی که توسط رژیم ولایت فقیه تمام با فتنه پاسخ می گوئیم" در حقیقت راه کارگر تلاش میبوده ای می کند که بین دو شمار با دو متون کاملاً متفاوت ربط و پیوند برقرار سازد و به این طریق توانا ت هونرا موجه جلوه دهد. راه کارگر می گوید نس می خواهد از اهمیت شمار طرح پستاید عمار بی واسطه توده های مردم بگامد و نیز اینطی نس می گوید نس خواهد با یان این جنگ منس را ضرورتاً منوط به سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی سازد. راه کارگر از یکسو می گوید:

"این حقیقتی مسلم است که سرخوش حکومت مستقیماً با سرخوش جنگ گره خورده است و با باید این حقیقت را به توده ها بگوئیم که آن کر که طرح می خواهد باید برای جنگ داخلی و سرنگونی رژیم آماده خود و تا کنون می "دک" بخنجا زهر چه گشوده تر سردم به تیر هسرا نس روشن تر از گذشته در نس باید نه موجود رژیم جمهوری اسلامی مانع اصلی با یان این جنگ ارتجاعی و جنبش است و دوسوی دیگر با این استدلال که نباید "با یان این جنگ منس یعنی جنگ ایران و عراق را ضرورتاً منوط به سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی از یاهای کنیم" مینای شمار تحلیل طرح به رژیم فقیها را همچنان با سر جا نگاه می دارد. اما این بخشه، تزلزل و حساست با ندولی آشکارتر از آن است که منی از عهد هواداران راه کارگر نیز بودیم سه

راه کارگر که نسی تواند ستاره کج آفرینی ما یان را مسدود کند برای ربع و ربع مویع گیری های متناقضی از سر ستون پاسخ یله تا سماعه در مدد وصله و پهنه کردن نشوری ما یان برمی آید. حامله نشوری جهله تا که نشوری بنده راه کارگر همرا من جنگ است. در شماره ۵۱ نشریه راه کارگر در یغن پاسخ تا سماعه می خوانیم که "در رابطه با حساست ما در قبال سازمان منی جنبش ضد جنگ و ارتباط آن با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی طوالاتی شده است که بیسر جنبه ایجاب فایده. همچنین در رابطه با مقاله "مرطه جدید در تمام جنگ ارتجاعی و حساست ما در قبال آن" "نفاصاتی برای برخی از هوادندان بوجود آمده است" براساسی "آیا ایجاب و سر" نقلاً در کار است و با کج سیری راه کارگر است که هواداران را هم به سرگیمه انعامتده است؟ با سگویی راه کارگر در رابطه با "ایهاات" و "سو" نفاصات" می نویسد:

"در ارتباط با مطالب نوی شوالائی از این نهیل طرح شده اند: آیا تحلیل راه کارگر عوس شده با عوامل منی تفسیر کرده اند؟ آیا راه کارگر خواست به واسطه صلح را رها کرده و دعوت به قیام را بیای آن نمانده است؟ آیا راه کارگر نظرات اقلیت را در سرود نهیل این جنگ به جنگ داخلی پذیرفته است؟"

اینها تماماً شوالائی است که در اثر حساست های کج و معوج راه کارگر در نسین هواداران ایجاد شده است. نه بدنبه می است و نه سو" نفاصات" اما با سگویی راه کارگر می خواهد گام و کوزه حساسیای معنات نس سازمان را بر سر هواداران بشکند لکن مدعی می بود که املا و ایفا در حساسیای راه کارگر هیچ تفسیری حاصل ندهد و هیچ نیوانی هم وجود ندارد. ما هم البته در مورد اینکه در حساسیای راه کارگر هیچ تفسیری حاصل ندهد با پاسخگو موافقیم و مستقیم که مجموعه تاکنیکهای التقاطی و حساسیای با ندولی او و اساس حساسیای راه کارگر را تشکیل می دهد. اما بهر حال حالی از لطف نیست که بیبیم مشول پاسخ به نامه ها با کنا من تفسیر خطه آمیزی

سو سیالیم

جنگ و انقلاب ۰۰۰

سر و ته قنده را بهم می آورد و هر « سو »
 تفاهات « خوانندگان غلبه می کند. راه کارگر
 می نویسد: « اختلاف ما و اقلیت نیز در این
 زمینه (یعنی تبدیل جنگ به جنگ داخلی)
 بر قبول یا عدم قبول ضرورت ارتباط ملج با
 سرنگونی « یا در قبول و عدم قبول ضرورت
 تبدیل این جنگ به جنگ داخلی عبور است.
 اتفاقاً در این تأکیدات ما و اقلیت اشتراك
 داشته ایم »

بالا لعلیب چه اشتراکی؟ راه کارگر از
 کدام اشتراك سخن می گوید؟ راه کارگر می
 که عنوان می کرد (و می کند) که باید
 عسای لوزان حکومت فقها را اوستاد گرفته
 باید ملج را به رژیم فقها تبدیل کرد چه
 اشتراکی با مواضع اقلیت داشت (و دارد)؟
 اتفاقاً همین ساله یکی از وجوه مبارزه
 ایدئولوژیک ما را با راه کارگر تشکیل می
 داد (و می دهد) - اما راه کارگر دنبال رو
 که در شماره ۲۸ نشریه این به مراجع از تبدیل
 جنگ به جنگ داخلی سخن گفته است و در عین
 حال نمی تواند در از ملج رژیم فقها برکنند
 مرتباً به اینور و آنور می زند و اسیر را
 می گذارد سو - تفاهت خوانندگان و اشتراك
 مواضع با اقلیت)

راه کارگر خود نمی می داند (یا قاعدتاً
 باید بداند) که بین این دو سیاست اشتراک
 ندهد این هیچ وجه اشتراکی وجود ندارد - از -
 عصری است که تلاش کند این فوساست
 را با یک پای ارتشایی به هم متصل نماید و
 در راه بعضی در « تحلیل محض از شرایط
 سخن » از خود بیادگار بانی می گذارد.
 راه کارگر می نویسد: « لازم به تذکر است
 که جنگ طلبی ناشی رژیم فقها را نباید در
 جنگ محض ایران و عراق علامه کرد - مخالف
 که همیشه گفته ایم، اینک نیز به این عقیده
 که رژیم فقها اگر برای غلبت موجودیت خود
 راهی جز ملج با عراق نبیند نمیکن است -
 این جنگ محض پایان ندهد از اینرو ما هر
 خلاف « اقلیت » معتقد هستیم که ملج رژیم
 فقها با عراق الزاماً در هر شرایطی از سر-
 نگرانی رژیم جمهوری اسلامی می گذرد. اینها

احتمالی است که سخن گفتن از آن به آرزوی
 از وضعیت مربوط می خود « با سخنگوی راه -
 کارگر گویا فراموش کرده است که سو - تفاهت
 هات و ابهامات خوانندگان مربوط به مقاله
 « مرحله جدید در تفاهت جنگ ارتشایی و -
 سیاست ما در قبال آن » بوده است که بر آن
 نه از جنگ بطور کلی و جنگ طلبی رژیم فقها
 بطور کلی بلکه از جنگ محض کنونی سخن
 رفته است. « شرایط محض « این جنگ در
 « مرحله جدید « از برای همه بود و بر آن
 مبنای عمار تبدیل این جنگ به جنگ داخلی
 طرح گفته بود. در آن مقاله پس از برعکس
 « شرایط محض » عنوان شده بود « در چنین
 شرایطی تبلیغات انقلابی باید عمار ملج را
 در ارتباط کامل تفاهت جنگ با عمار سرنگونی
 رژیم طرح کند و از آنها که خواهان پایان
 یافتن این جنگ ارتشایی هستند بخواهد که
 برای دست یافتن به صلح غلبه موجودیت رژیم
 جمهوری اسلامی بجا بماند. موجودیت رژیم
 جمهوری اسلامی مانع اصلی پایان این جنگ
 ارتشایی و جنسی است. « مشاهده می کنید؟
 ساله بر سر همین جنگ ارتشایی و جنسی
 کنونی است می نه جنگ بطور کلی. « اساساً
 در مقابل جنگ با عراق در آینده ای نا معلوم
 سخات می خواهد که سازمانی هواداران را
 حول تبدیل جنگ به جنگ داخلی بسج کند.
 اما راه کارگر غفیه نیست. مفسله راه کارگر
 برای توجیه همین برهن دو سیاست متضاد
 بسوازات بکنده است. برای توجیه سیاست
 های « تزول و نوسانی این می باشد. ما در -
 همان زمانی که راه کارگر عمار تبدیل جنگ
 به جنگ داخلی را مستقیماً عنوان نمود گفتیم
 که راه کارگر نمی تواند در نظراتش جدی -
 باشد. در آن زمان وقتی ما گفتیم راه کارگر
 نمی تواند در همان عمار جبههش جدی باشد و
 ما واقعا در میانمان جدی بودیم.
 تمامی موضع گیری ما و تا کنونکیها از آ
 نده از سوی راه کارگر در طول یکسانی که
 از طرح عمار تبدیل جنگ ارتشایی به جنگ
 داخلی می گذرد بهمانگر این است که راه کارگر
 تا چه حد در طرح این عمار غیر جدی بسوده
 است. راه کارگر همواره بدقیال مواطلسی
 بود است تا تحت عنوان « در چنین شرایطی
 عمار تبدیل جنگ ارتشایی به جنگ داخلی را

تحت الصماخ عماراتی در آورد که مسجون
 آن ملج بدون سرنگونی است. « با همین
 ربط و پیوند بین جنگ و انقلاب را از هم
 بگردد. راه کارگر بر این طرح عمار تبدیل
 جنگ به جنگ داخلی به تسبیحاتی متوسل شده
 است تا بی آنکه رسا این عمار را پس
 بگیرد و با به انکار آشکار آن جهانرت بول
 اما با جنگ اتفاقش در هر رویه های « شرایط
 محض » را ترجم کند که عملاً این عمار
 نقش برجسته دوم بسابد و تحت الصماخ عماراتی
 لفظی فرار بگیرد. زمانی با نظرات -
 موتوسواران تهران که خواهان بسوده عدل
 مقام بودند برقراری ملج (وند حتی تسبیح)
 از طریق رژیم فقها تا کنون تبدیل جنگ
 ارتشایی به جنگ داخلی را به پشت صحنه
 می کشاند. زمانی دیگر با افزایش فعالیت
 های بین المللی برای پایان جنگ راه کارگر
 تا کنون برقراری صلح از طریق فقها و بین-
 المللی را به اسکلت مجموعه فاکتورها یعنی
 مشکل می سازد و الی آخر و تمامی اینها
 نشان می دهد که راه کارگر رابطه بین جنگ و
 انقلاب را درک نکرده است. از همین روایت
 که بین تا کنونکیهای متضاد و بین انقلاب و
 رژیم نوسان می کند و دست آخر انقلاب را -
 تابع رژیم حسابد.

توجه کنید که چگونه راه کارگر با آرزو
 فعالیت های بین المللی برای « پایان -
 جنگ با وجود اشاره به مبارزه توده ها علیه
 جنگ و رژیم جمهوری اسلامی دست آخر اسکلت
 تا کنونکیها را « در چنین شرایطی » برقرار
 بین المللی متکی می کند. « جنگ ارتشایی
 ایران و عراق به بدلیل موقعیت ژئوپولتیکی
 هر دو کشور بویژه ایران ... از همان آغاز
 دارای وجوه و عواقب بین المللی مهمی بوده
 است. در شرایط کنونی وجه بین المللی این
 جنگ بهیچ از هر وقت دیگر سر و پا گرفته و -
 جنگ را وارد فاز جدیدی ساخته است. (وای
 کارگر شماره ۲۹) « برای هر کسی که بخواهد
 راه کارگر آشنا باشد رودن است که « در هر
 شرایط کنونی « و « فارجهت « دارای سه
 سناشی است و به چه کار می آید. حال فرض
 وجه بین المللی این جنگ است تا بر اساس
 آن عمار تبدیل جنگ ارتشایی به جنگ داخلی

جنگ و انقلاب و...

کماکان نقش دجه نمودن تعاون بهایبسته راه کارگر در همین مقاله می گویند:

تردیدی نیست که سازماندهی کارگران و - زحمتکشان منته جنگ و برای صلح و سرنگونی رژیم فئها بشاید تنها اهم اساسی و تعیین کننده مورد توجه کمونیستها است. راه کارگر (اگر جمله بندی امر را در ذهن کنیم) درست است. می گوید سازماندهی کارگران و زحمتکشان برای تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی تنها اهم اساس و تعیین کننده کمونیستهاست. اما این چه ربطی به راه کارگر دارد راه کارگر که با هزاران "اگر" و "اما" و "هرایط کنونی" و "فاز جدید" این تاکتیک اساسی و تعیین کننده کمونیستها را همواره تحت الشعاع تاکتیکهای لحظهای و غیر اساسی می آورد؟ راه کارگر از جنبه تنها اهم اساسی و تعیین کننده مورد توجه کمونیستها "سخن می گوید، اما آیا یک تاکتیک ناقابل و ذکر" در شرایط کنونی - بینشها اهم اساسی عملاً حاصل بلان می کند - راه کارگر - برآز تذکر تنها اهم اساسی و تعیین کننده مورد توجه کمونیستها می گوید: اما کمونیستها نمی توانند بخواهند بین المللی علیه جنگ و برای صلح نیز بی اعتنا باشند! اگر ساله ذکر همین مفهومی "نیز" و "بی اعتنائی" بوده ما هم می توانستیم بارها - کارگر موافق باشیم. اما برای راه کارگر - این جمله مختصر فقط سر بل عبور از تنها اهم اساسی و تعیین کننده "به عرصه تحمیل صلح از طریق فشارها و بین المللی است که در سفر سیاستها و راه کارگر" در شرایط کنونی "فرار می گیرد" این تاکتیکها "در شرایط کنونی" عبارتند از:

الف - فروتنی صلح و هر گونه تقویت طرف جنگ افروز با پستی حکومت خود - به افتخار سیاستهای جنگ طلبانه رژیم - ج - محکوم نمودن مذاخله و حضور مستقیم امپریالیسم آمریکا در منطقه و یا لایحه د - باید از فتنه های صلح که در چارچوب سازمان ملل صورت می گرفته بشرط آنکه داخل منته تعیین سرنویسندگی ما و دو کشور و صلح بدون الحاق طلبی و فراموش نیاید دعا می کرد.

راه کارگر می تواند عنوان نماید آنچه ذکر شده مربوط به "روشنی سیاستها" - در رابطه با جنگ در عرصه بین المللی است. این "اما" سالهای نیست. ساله این است که سیاستها و فعالیت کمونیستها در عرصه بین المللی نمی تواند در انطباق و تناسب و با هم راستای سیاستها و فعالیتها در داخل نباشد. برای کمونیستها که با توجه به شرایط کنونی ایران (و نه آن "هرایط کنونی" - لحظه به لحظه راه کارگر) سازماندهی کارگران و زحمتکشان برای تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی تنها تاکتیک اساسی شان می باشد. سیاستها و فعالیتها در بین المللی شان نیز در انطباق و متناسب و با هم راستا با این سیاستها و تاکتیک اساسی مشخص می شود. حال به "روشنی سیاستها" - راه کارگر دقت کنید تا معلوم شود که این سیاستها هم راستا با "سازماندهی کارگران و زحمتکشان علیه جنگ و برای صلح و سرنگونی رژیم فئها بشاید تنها اهم اساسی و تعیین کننده" است و با هم راستا با سیاست تعیین صلح به رژیم فئها؟

حاله کنیم: هر چند راه کارگر ما بعد انقلاب و فرم سرگردان است اما این سیاستهای رفرمیستی است که راه کارگر را تسخیر کرده است. در رابطه با جنگ ارتجاعی دولت ها و ایران و برای راه کارگر ما هم دو سه مفهومی تاکتیک را نتوانیم با هم به پیش می برده اما در اکثریت قریب به اتفاق موارد راه کارگر تحت عنوان "در شرایط کنونی" آن سه مفهومی تاکتیک را امتداد می کند و به انگلیست سیاستها و خود تبدیل می نماید که برقراری صلح بدون پیوند با سرنگونی رژیم را آماج فرار می دهد. راه کارگر می گوید که "اختلاف ما و اقلیت نیز در این زمینه بر نیول یا عدم قبول ضرورت ارتباط صلح یا - سرنگونی" یا در قبول و عدم قبول ضرورت تبدیل جنگ به جنگ داخلی نبوده است. اما در این تأکیدات ما و اقلیت اشتراک ما هدفیم. این "اتفاقی اساسی اختلاف ما و راه کارگر" دقیقاً در قبول یا عدم قبول ضرورت تبدیل این جنگ به جنگ داخلی است. اما راه کارگر - توجه با پیش کشیدن مسائل جنبی و مرتبط

با این شماره اصل شمار را در سایه نگه می دارند. اختلاف ما با راه کارگر بر سر این سیاستها نیست که باید برای تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی تدارک دیده باید سیاستها و فعالیتها مشخصی داشته و باید امر تدارک را بر عرصه های سیاسی و سازماندهی به پیش برد. اختلاف ما با راه کارگر بر سر این ساله نیست که باید در هر عرصه شرایط موجود ("هرایط کنونی") را در پیش برد سیاستها و تاکتیکها را ملحوظ داشت. اختلاف ما با راه کارگر این نیست که باید با توجه به پیش آمدن و رویدادهای جدید "مراحل جدید جنگ" - شمارها و تاکتیکها و سیاستها با آن تغییر در مجموعه تاکتیکها بر نظر گرفت و اساسی تدارک سیاسی و سازماندهی تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی را همه جا پیگیری نماید نمود. اختلاف ما با راه کارگر بر سر این ساله نیز نیست که هر شمار را نباید در تمامی شرایط و در تمامی موارد عیناً بکجور تکرار کرد.

در تمامی موارد نوبت اختلاف ما با راه کارگر بر زمینه اختلاف اساسی مان مجلسی اعتقاد (و نه موری) به ضرورت تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی و در این است که ما مستفید آن سیاستهای عملی و تدارک سیاسی و سازماندهی هستیم که در خدمت تحقق عمار تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی باشد. در مقابل سیاستهای عملی و تدارک راه کارگر اساساً میل به تحمیل صلح به رژیم فئها دارد. ما مستقیم که با ملحوظ داشتن رویدادها و حرکتها "هرایط جدید" و پیش کشیدن شمارهای کمکی و حتی لحظهای - حتی اگر که یک گام باشد تدارک برای تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی را بطور سوری داد. راه کارگر اما از پیش می آمد و رویدادهای خود بیغور روان می خورد و شمارهایی را به پیش می کشد که هر کدام تا حدودی نافی دیگری است و در عین حال برای همسویی گستاخ بین جنگ و انقلاب و فرم می یابند. ما مستقیم که در تمامی شرایط و در تمامی موارد مناسب ترین شکل طرح عمار که در خود قهرت بوده گیر شدن و اثر یعنی بر مبارزه و فعالیتها

سوسیالیسم

جد کسافی به تطهیر ایورتونیست‌ها مشغولند؟

• تقویت نقل انقلابیون کمونیست • جاسای گسرد.

هر چند سازمان آزادی کار بمشابه - اولین حلقه اتصال و سرشماری همین نیرو به بلوک ایورتونیستی بنابر میانه آمیضا روند مبارزه طبقاتی ملی دوره پس از قیام و عملت‌ها نشانگر بلوک ایورتونیستی آنگهان خط و مرز بی‌انقلاب و هد انقلاب ترمیم کرده بود که نه تفکاهی نیروهای ایورتونیست - و فریبست و نه مطلق گری سازمان آزادی کار به تنهایی قادر به زایل نمودن این خط و مرزها و محدود کردن ضد انقلاب و ضد انقلاب نیست. سازمان آزادی کار بمشابه نموده اتصال شد و نیمه‌فاصله راه کارگر هر مقابله با « آزادی کار » مطلق و تنبیه اقتصادی مؤثرتر و نیرومندتر است. ابزار راه کارگر برای ایفای این نقش برنامه و - قطعنامه ها و بلندگوها می باشد که بتازگی انتشار یافته است. - مرحله و نه برنامه راه کارگر برای انقلاب کله‌دی گنایس خط و مرز های انقلاب و ضد انقلاب است. پاسخ راه کارگر به تکاپوی بلوک ایورتونیستی برای نیابت و یافتن دستیاران جدید است. میانی فرم آیمیزی انقلاب و ضد انقلاب و محدود نمودن - ممنوع و ماهیت قدرت سیاسی جا نمین رژیم ضمنی از مدتها قبل توسط راه کارگر عنوان شده بوده اما قطعنامه های بلندگو به این خط مستی راه کارگر رسمیت و قانونیت بخشد. کابوسی حفره هولناک ولایت نفی و لسان سجات راه کارگر بر پرکردن این حفره با هر چیز « مسکن » همراهی با هر « فلسفم و فدی » به بها ایینکه حتی از « سازمان فدرک نیروی عام و مام است. در نزد راه کارگر همین حفره ولایت نفی است که « تنهیر المسم بورژوازی متوسط و کوچک را تقویت کرده و آنان را به دفاع از دیکتاتوری بورژوازی حود داده است » و این جوهر واری امر آزادی های سیاسی فتنه آلوده است. این بنیان معنا است که عقد سازهایش موقت پس آتاک بستنور وسط قدرت طبقه کارگر و جهت انقلابی دیکراتیک بطور کلی می باشد. (راه کارگر شماره ۲۲) چرا که « دیکرا

موسان بر تارک برنامه سازمان آزادی کار می نشیند: « جهت دیکراتیک طبقه ای بران » جهت است دیکراتیک - خدا مهربان است و خدا اعتماد مضمی که حدس سازمان نمی مبارزات بوده با برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تشکیل دولت سوشال انقلابی و سر برگزیری انتخابات عمومی و حراسری جهت ایجاد مجلس مؤسسان است. با این تصمیمات هر برنامه سازمان آزادی کار آزادی کار خود را برای اثبات با بلوک ایورتونیستی از کانال اکثریت گذراند. آغاز نمود « آزادی کار » سپهر تیرماه بطور شهر نیرو اکثریتی های نگهداری را - نیز مورد خطاب قرار داد و از آنها دعوت بعمل آورد که در انتقاد به گذشته از خود بهگیری بستری نشان دهند و چه گزایند. بر مرون اکثریت و در حقیقت برای تطهیر اکثریت خنثیان نموده گزایی که خواهان - انتقاد نیست گزایی که بطور جدی از گف - شده برس آسوحته و گزایی ساقی نیستی : « این گزایی (گزایی غیر انتقادی) باید - لول دکت منتخباته می و برنامه گذشته آبرویا عتگی و انفراد روز افزون حزب بوده و دکت شدن آنتورته حزب بر مرون اکثریت و کنار جنس روند تصمیم را طی میکنند - گزایی دوم با گزایی انتقادی هر چند هم که هنوز ممنوع و حدود مرها مضمی ایند نولوزیک و سیاسی بخود نگرفته باشد خواهد انتقاد جدی از گذشته است. - نیروهایش که بر این طبقه قرار دارند نیروی عکس را - سر می کنند - زخم صحنی که اکثریت از رهگذر گزایی به می و برنامه رفرفیستی به - جنسی وارد آورده هر آنها روسیه انفراد از خود را بر انگیزند و بستن برس آموزی جدی ز تجارب عکس گذشته میون فاده است. (« کار » شماره ۱۹) - بر این مبنا گزایی غیر انتقادی در اکثریت - روند تصمیم را طی میکند و گزایی که « برد عکس را - سر میکند » روند تقویت - و این همان گزایی می است که از طریق آن اکثریت فکنداری - هم باید تطهیر شود و در انتقاد جدید برای

اینتک توده ای که مسون طبقه نمین حاکمیت دیکراتیک کارگران و دهقانان و خرده بورژوازی به رهبری طبقه کارگر می باشد عسرت بورژوازی انقلاب دیکراتیک است. « سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دیکراتیک توده ای هدف سیاسی مقدم پرولتاریا - ایران بنابر می آید. » سازمان آزادی کار با تمامی راست روی ها و سیاستها سازشکارانه ای اما با طرح برنامه ۶۶ نمی توانست بمشابه نموده - تعالی ضد انقلاب و ضد انقلاب و تطهیر کننده ایورتونیسم عمل نماید. این طرح برنامه چه بشماط نیروهای اجتماعی انقلاب و چه بشماط قدرت سیاسی که باید با یگونی رژیم جمهوری اسلامی عود و سایر مواردی که در اینجانب مورد بحث نیست - ماضی در راه تشکیل « جهت متحد خلق » بنابر می آید. این مانع می - فروردین ماه ۶۶ بطور کامل رفع گردید. بر فائتن مانع به اینگونه نشوریزه عد بصراط بورژوازی طبقه دیکراتیک و نگام آن - به سوسیالیسم رهبری طبقه کارگر است. اما واقعیت امروز جامعه ما اینست که جنسیت - کارگری - کمونیستی در ضعف و پراکندگی بسر جبرده اعتماد مضمی طبقه کارگر را حتی از فائتن تکلیف از مضمی سرور کرده است. جنسیت کمونیستی بمشابه پیماننگ طبقه کارگر شمار فتنه بوده و رابطه گذرده و حکمی بچین توده کارگر و پیماننگ میبود نیست (« کار » شماره ۱۸) « پس آزادی کار » از این مبرومات نتیجه می گسرد که « ما شرط شرکت خود را در جهت دیکراتیک - ضد ایورتونیستی و پنهیری برنامه عدالت مان - از خود نیروها قرار نمی دهیم » و بر این مبنا است که هم مبدفدی نیروها و طبقاتی و هم وظایف انقلاب از سوی « آزادی کار » - مورد تبعید نظر قرار میگردد در حدی که « گروه بندیها و بورژوا - لیمبرال در این مبارزه حرکت سواهند کرد. » در طرح جمعی جمهوری دیکراتیک توده ای که بعنوان هدف سیاسی مقدم پرولتاریا - در طرح برنامه آمده بوده کنار گذارنده مضمون و تشکیل

سوسیالیسم

چه کسانی به تطهیر ایورتونیست‌ها مشغولند؟

می‌بوزوانی و دمکراسی پرولتری هر دو از حمره مولناک ولایت‌نمید در مغایبتند و بدین خاطر باید تمام نیروها را بکسک طلبید و بر اساس "فصل متفرک احزاب سیاسی" به مقابله با رژیم جمهوری املاسی شناخته و در این عناقفتن باید توجیه داشت که "طرح دمکراسی به صورت متولهای لیفانی موجب زمین غیر چ می‌شود"؛ این استنمای آن مفاهیم مستتر در "جیبه دمکراتیک خلق" و "حکومت ملی و دمکراتیک" بلوک ایورتونیستی بزبان راه کارگر، فلسفای سیاسی بلنوم، سه مرحله و سه برنامه راه کارگر، به نشانی این مفاهیم و مقوله مای را کارگر رحمت می‌بیند.

راه کارگر وظایف اساسی انقلاب را از مرحله اول و یا برنامه اول که برنامه "جیبه دمکراتیک" سه اسپهالیستی است حذف نموده چرا که "امروز ساله مقدمه سرنگونی رژیم جمهوری املاسی است که نخستین مانع حذف آزادیهای سیاسی و سه راه گشتری و تصحیح مبارزه طبقاتی پرولند رها است" (راه کارگر ۲۵). راه کارگر س الزامات تطهیر این "ساله مقدم" را به تفکیک جیبه‌ای وسیع در نظر می‌گیرد که حاصلش باید دمکراسی سیاسی، "فدرتسیا" می فر چارچوب انقلاب دمکراتیک و ملی باشد. راه کارگر می‌گوید: "گرچه در مذهبندی کنونی طبقات در جامعه ما بیوزوازی لیبرال این نیروی ذخیره ضد انقلاب محسوب می‌شود و بی‌فایده می‌اندازد و راه کارگر دوده - های ز-متکثر قرار می‌دهد، اما چنانچه مدار صبر با جرمانانی از لیبرالها به یلاقتیم دمکراتیک بپیوندند و ثاآلیا که از آن استقبال کنند می‌توانند بر جیبه دمکراتیک پذیرفته شوند" (راه کارگر ۲۶).

آن بلاقتیم دمکراتیکی که برای بیوزوازی لیبرال بعنوان "نیروی ذخیره ضد انقلاب" (و نه خود ضد انقلاب) پذیرفتنی باعده معصم است که از چه قماش است و سنون - "جیبه دمکراتیک" ضد اسپهالیستی "راه

کارگر به چه کار می‌آید" آنچه که راه - ریز برای انقلاب ایران، در قدم اول به پیش روی طبقه کارگر قرار می‌دهد، همان برنامه‌ها و است که طبقه ایورتونیستها عواها نهن هستند و همین به راه کارگر بشار به نامه اتصال طلبیست می‌دهد. این فرست است که برای راه کارگر قدم اول و قدم است مشروط و محقت که خود اعلام می‌دارد - استفاد به تنظیم "فدرت سیاسی انقلاب دمکراتیک و ملی" ندارد. اما این برنامه تا - کتبیکی راه کارگر درت همان مغز است که لیبرالیسم و رژیمم عواها نهن هستند - "دوره تنفسی است که راه کارگر به طبقات انقلابی و در بیجا پیمتن طبقه کارگر - پیمتنها می‌کند که به لیبرالها و ایورتونیست - نیست. رژیمتتها نانه خود و این فرست همان خواستی است که لیبرالها و پیوسته در فرایط کنونی ایورتونیستها نیاز به آن دارند تا خود را بازماند کند. و راه کارگر این وظیفه را بر عهده گرفته است. بر این مینا: است که راه کارگر مبتذاتانه به استقبال انتقاد از خود کشتگری‌ها می‌رود و با اعلام اینکه این انتقاد "کامی کینا" شینی است که هر چند پس از بودنی و ترف غولانی برداشته شده است اما بهر حال گامی به سن است. گامی که سبب محمود راه کارگر "دیگر دلیلی برای باکوتتسیا سیاسی کشتی‌ها نبیند" (راه کارگر ۲۷).

راه کارگر به تطهیر ایورتونیستها مشغول است و با سیاستهای پزاکامتسی و راست روانه خود زمینه خارج ساختن ایورتونیستها را از انزوی سیاسی فراهم می‌آورد. راه کارگر از ضعف و تشتت و پراکندگی کمونیستها و طبقه کارگر چنین نتیجه می‌گیری می‌کند که باید "جیبه سرنگونی" را هر چه وسعتر نمود و ضد انقلاب را در "جیبه سرنگونی" که عامل نیروهای انقلابی و ضد انقلابی است محمل کرد. راه کارگر از ضعف کمونیستها و بی سازمانی طبقه کارگر "سازن طبقاتی" را نتیجه گیری می‌کند. راهی که راه کارگر در مقابل مکتب

امروز قرار می‌دهد تنها به ایدی کرین و تقویت این مکتبات کسک می‌کند و ضعف امروزه را فردا مد چندان وسیع تر می‌سازد.

افتاد "طرد لیبرالها و ایورتونیست - رژیمتتها از ضد انقلاب وظیفه تطهیر تا - پذیر کمونیستها است. تفکیک ضد انقلابی و ضد انقلاب و تأکید بر این جدایی و حفظ خط و مرز میان این دو معاد نقطه نظر کمونیستها نه امری اخلاقی است و نه صرفاً در جهت ایجاد زمینه‌های لازم برای پیروزی - انقلاب دمکراتیک. رخصون کمونیستها در صفت بندی نیروها و طبقاتی و چگونگی برخوردشان به انقلابی می‌تواند جز در راستای مصالح پرولتاریا، یعنی تشکیل حزب کمونیست، - شکل دایی و توانستنی طبقه کارگر و حفظ استقلال طبقاتی کارگران برای انقلاب - سهالیستی و برپایی دیکتاتوری پرولتاریا باعده آفکر که تحت‌بها نه انقلاب دمکراتیک که پس روی طبقه کارگر قرار دارد امر به فراوسنی استراتژی پرولتاریا می‌کند و - به منظور پیروزی انقلاب دمکراتیک، بدون - اینکه رابطه این انقلاب را با استراتژی - پرولتاریا در نظر بگیرد خواهان تقلیل هواستها و وظایف انقلاب می‌دهد که انقلاب دمکراتیک را که باید مانع پیروزی طبقه کارگر را از سر راه بفرماید به سرنگونی رژیم جمهوری املاسی تقلیل می‌دهد و در این راه بر دستاوردهای عینین و بر از درد و رنج طبقه کارگر در طرد ایورتونیستها عطف بطلان می‌کند و طبقه کارگر را دعوت می‌کند که ما در آسین خود پیروزی دهد. جز ضد - متگذاری به ایورتونیستها و لیبرالها - عملی انجام نمی‌دهد جز اینکه استراتژی پرولتاریا را تحت‌الصراع مصالح طبقاتی پیروزی قرار دهد کار دیگری از پیوستنی بهره.

در هم آمیزی ضد انقلاب و ضد انقلاب جز تبلیغ "سازن طبقاتی" چیز دیگری نیست و کمونیستها موظفند بر تفکیک این طبقات تأکید نمایند. افتاد "طرد ایورتونیستها و لیبرالها یا مساعادت طلبی و با معوض نمودن انقلاب و ضد انقلاب میسر نیست. راه کارگر که اما خود را کمونیست

سوسیالیسم

چه کسانی به نظیر ایورتونیست‌ها مشغولند؟

می‌نماید به این کار متغول است و خود را به نسبه اتصال انقلاب و ضد انقلاب تبدیل نموده است. این نقش از تزلزلات ذاتی راه کارگر ناشی می‌شود. بجز راه کارگر اما نیروهای دیگری نیز هستند که به آن‌ها بسیار سرگرد تبدیل گشته‌اند. اینان با ابهام‌گویی در مورد ماهیت ضد انقلابی ایورتونیست‌ها و با سکوت گذاردن آن‌ها با منظره‌گری سبب به مخنثات نیروهای که در ضد انقلاب قرار می‌گیرند، با گسترش رابطه میان انقلاب دمکراتیک و سوسیالیستی و با ترویج مستقیم و غیر مستقیم نیروهایی که بسبب نظیر آشکار و پنهان ایورتونیسم معضولند، از سیاستهای انقلابی عدول میکنند. مریا، هورامالی و نیز کمیته ایرانی نیز این زمره قرار دارند.

هورامالی با سکوت گذاردن کمیته‌های ماهیت طبقاتی نیروهای بلوک ایورتونیسی راه بر نظیر آنها گشوده است. هر چند خود هنوز به عنصر فعال نظیر گری تبدیل نشده است. هورامالی بدون نظر گرفتن صالح پرولتاریا بر انقلاب و اتحاد عملی راه سیاسی را در پیش گرفته است که به تقویت سیاست نیروهایی که نقش متمسک اتصال را بازی می‌کنند می‌انجامد. اگر سکتاریسم عملاً در راه انقلاب و اتحاد عملی شکست اندازی می‌کند، نیروهای حامل اعتراضات لیبرالی چون هورامالی از نقش سکتاریسم منسأ به‌دور برای آزادی عمل در انقلاب و اتحاد عملی می‌آزاد که نتیجه‌اش حتی اگر که غیر مستقیم باعث اعتنائی آفرینی در ضد انقلاب و ضد انقلاب خواهد بود. کمیونتها بر این پایه که چون می‌آزاد با نیروهایی که در ضد انقلاب قرار دارند در مورد مسائل شخصی وارد اختلاف و اتحاد عمل عوسه به این نتیجه می‌رسند که عنصر خرابی و بدون نظر داشتن نتایجی که از اختلاف و اتحاد عملی حاصل می‌شود به این میاز بودن باعث عمل بی‌عوا نند. میاز بودن بک چیز است و مفید اختلاف و اتحاد عمل چیز دیگری است.

هورامالی این نور را بر هم منطبق میکند. کمیونتها می‌آزاد که با نیروهایی که در ضد انقلاب قرار دارند وارد اختلاف و اتحاد عمل بر سر مسائل شخصی می‌شوند اما تحقق اختلاف و اتحاد عملی منوط به ارزیابی نتایج آن بر مبارزه طبقاتی پرولتاریا است. زمانی که افتاد و طرد لیبرالیسم و فرسهم که همزمان بسیار زیاد در اثر مبارزات طبقاتی بر از فیم بین ما و اتحاد گرفته است و اکنون بنا به شرایط حاکم بر مبارزه طبقاتی پرولتاریا می‌باید با دقت و بی‌گیری کامل دنبال شود. هر اتحاد عمل و انقلابی (هر چند میاز) اگر در راستای نوعی قرار نماند یا به صلاح و منافع پرولتاریا و استقلال طبقاتی آن، لغت و وارد می‌آورد. هورامالی نیز فقط در مورد ماهیت بلوک ایورتونیستی سکوت نمود. ده است و راه را برای گشایدن نیروهای این بلوک در ضد انقلاب باز گذارده است. بلکه همچنین با سخنی که در رابطه با اختلاف و اتحاد عملی در پیش گرفته است به تقویت نقش «سلط گری» و «تمسک اتصال» راه کارگر کمک می‌کند.

علاوه بر هورامالی و جریان کمیته اجرائی (توکل) نیز در مقابله با ایورتونیسم و لیبرالیسم از خود تزلزلاتی بروز داده است که هر چند هنوز تشبیه‌شده و کامل نیست، لیکن اگر این سیاست ادامه یابد و تصویب کرده کمیته اجرائی نیز خود را در کنار راه کارگر و در نقش متمسک اتصال خواهد یافت. کمیته اجرائی هم چون هورامالی و سکتاریسم سلط سسر «آزادان» را پوششی کرده است که با نقد آن و نیز عوسه بر عورده غلط به سازمانهای غیر پرولتاری «سازمان حاکم بر تفکیک ضد انقلاب و ضد انقلاب را مدعیان می‌آید. کمیته اجرائی اکنون این امر را با احتیاط و پویانده با ابهام و تزلزل دنبال میکند. کمیته اجرائی در «کار» ۲۲۰ و ۲۲۱ از «افتاد» و انفراد لیبرالیسم و فرسهم سخن می‌گوید: «طیف کارگر باید از موضع

بافتاری روی دمکراسی انقلابی و خرده‌بویزد. ازی را بدون سطح بازده لیبرالیسم و فرسهم را سفید نموده جمهوری اسلامی را سرنگون کند» (کار = ۲۲۰) و برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق «این امر مستلزم الحاق و انفراد هر چه بیشتر فرسهم و لیبرال-لیسم است» (کار = ۲۲۱). کمیته اجرائی قاعدتاً باید به تفاوت بین «افتاد» و انفراد و «افتاد» و طرد که مربوط به دو جاگاه متفاوت در ضد بندی طبقاتی است واقف باشد. کمیته اجرائی نمی‌تواند بیاد نماند که در کشور اول سازمان مفهوم «افتاد» و انفراد در رابطه با نیروهای مبتدیان بکار برده شد در حالی که مفهوم «افتاد» و طرد در رابطه با نیروهای ضد انقلابی معنا می‌یابد. کمیته اجرائی همچنین در مورد حزب نموده و اکثریت می‌نویسد: «مطلقاً نافع هر گونه ماهیت انقلابی هستند. اینان به حسب شرایط مختلف سیاسی یا حتی در ضد انقلاب قرار می‌گیرند و یا هر لحظه مستعد سازند و عیان‌نماند» (کار = ۲۲۰). این حکم سرعاً بستای نمی‌شد انقلابی بودن نیروهای بلوک ایورتونیستی است. اگر چه کمیته اجرائی در کنفرانس خود از این حکم یک گام عقب‌نشینی و اعلام نمود که «مبارزات و سازمانها و ایورتونیست-ولرسمت نظیر حزب نموده» و اکثریتها که از جنبه طبقاتی منافع آنچه ما و فولانی خرده‌بویزد و ازی را نمایندگی می‌کنند... نافع هر گونه ماهیت انقلابی بوده و در ضد بندی سیاسی در ضد انقلاب قرار دارند» (کار = ۲۲۱). لیکن این یک عقب‌نشینی تاکتیکی فعلاً بیشتر بحساب نمی‌آید چرا که دوگانگی در این فرمول بندی تاکتیکی موج می‌زند. کمیته اجرائی اگر معضول نشود از چه روی بلوک ایورتونیستی در ضد انقلاب قرار داده راه برای بازگشت به فرمول بندی «کار» ۲۲۰ همواره هموار است. اگر در بلنوم سال ۲۱ سازمان «جاهاگما» حزب نموده و اکثریت بدلایل معضول همگاری یا

چند کسانی به تطهیر ایورتو نیست‌ها مشغولند؟

انقلابی پرولتاریا، جز با حرکت در جهت تشکیل حزب کمونیست و جز با افکار و طرد لیبرالیسم و رفاه‌پرستی و جز با قراردادن یک ندرت‌های انقلابی و دمکراتیک بسط رهبری طبقه کارگر در مقابل جمهوری اسلامی و جز با اتحاد عملا و اختلافاتی که در خدمت مصالح و اهداف پرولتاریا باشد نمی‌تواند بر عرایض موجود فانی آید. اکنون سائیرینها به تطهیر ایورتو تمسک می‌کنند و عداوت باوند انقلاب را برمی‌آورند. کمونیستها اکنون در جهت تحقق اشتراک‌گرایی پرولتاریا باید تلاش خود را در جهت افکار و طرد ایورتو بسط دهند چندان کنند. باید در مقابل با در هم آمیزی انقلاب و نه انقلاب و تبلیغ سازمان‌های طبقاتی، بسط تشکیل‌دهنده انقلاب و نه انقلاب و نیز استقلال طبقاتی کارگران تأکید خود را دو چندان کنند. تنها با پایبندی بر برنامه و خط اشتراک‌گرایی - پرولتاریا و با پی گیری همکارها و حمایت‌های انقلابی است که تسه‌اتصالی سائیرینها از هم گسسته خواهد شد.

برهبری پروژوازی و خرده‌بورژوازی کرده‌اند. سائیرینها بر اساس همین زمینه‌ها اختلافی از نیروها و سائیرینها و ایورتو نیست‌ها را در جهت تشکیل "حزب کمونیست" القا می‌کنند. "جبهه دمکراتیک" بنده امپریالیستی خود را با هر نیرویی برای بر گرفتن حفره جولناک ولایت فتحه بر می‌کنند و فشار بر برنامه انجمنی پرولتاریا بر می‌دارند تا "فدرت" اساس انقلاب ملی و دمکراتیک بشود برقرار خود. در شرایط کنونی با سائیرینها به تسه‌اتصال انقلاب و تسه‌اتصال انقلاب تبدیل شده‌اند. کمونیستها و آنها از شدت و پراکندگی جبهه کمونیستی و کارگری تطهیر ایورتو نیست‌ها و نفوشتا سائیرینها را تشویق نمی‌گیرند از سازمان‌های طبقه کارگر و امتیازات توده‌ای، هر سازمانی نمی‌لیبرالی و هر "جبهه‌ای" که باطلی "سازرطبانی" است را تشویق نمی‌گیرند و در مقابل ارتجاع حکومت اسلامی برنامه خود را بعد بر برنامه "جبهه سرتنگونی" تقلیل نمی‌دهند. در چنین شرایطی کمونیست‌ها جز با تأکید بر مبارزات و حمایت‌های

جمهوری اسلامی در مذهب انقلاب آریا بسط نده، اکنون که یک چنین همکار موجود نیست، گسسته اجرائی با کدام همکار و دلبلی جا. نگاه این بلوک را در مذهب انقلاب می‌دهد؟ گسسته اجرائی و تمیز عوارضاتی بسط تزلزلات خود آب به آب تطهیر کنندگان. ایورتو نیست می‌بزنند، در همین حال تزلزلات این دو با تزلزلات فانی را مگر اگر که بر برنامه و خط سنی این نیز تطهیر یافته‌است و سنا بر است. لیکن این دو نیرو اگر که بر سیاست‌های کنونی شان تأکید ورزند، آسرا ادامه دهد و به آن تسبی بخشد در آینده این نمایان نیز زائل خواهد شد. ایورتو نیست‌ها شدت و پراکندگی جبهه کمونیستی و کارگری، بی سازمانی طبقه کارگر، افکار سبزه‌توده‌ای و تلاطم موجودیت رژیم فوی ارتش‌های جمهوری اسلامی را زمینه‌ای برای تشدید عداوت، تطهیر و تقویت بلوک ایورتو نیست‌ها سازمان‌های لیبرالی کارگران - تشکیل به وسیله از نیروهای انقلابی و نه انقلابی مخالف رژیم و بر بانی یک دمکراسی سیاسی تحت عنوان "حکومت دمکراتیک و ملی"

بما بر این ما با توجه به روندی که بر ما زمانه در راستای اشتراک‌گرایی که بر اساس به منظور می‌شود در پیش داریم و نیز در نظر گرفتن لغدی که از سیستم فکری گذشته بسط آورده‌ایم، علاوه بر اسانسانه یک سیاست عملی تشکیل می‌دهد و تفویض شده. علاوه تفویض آئین نامه اجرائی را نیز بر دستور کار قرار می‌دهیم. در تدوین طرح سیاست عملی، مرحله انتقال ما از وضعیت کنونی به ساختمان تشکیل می‌دهد که در اسانسانه قید سر خود خورد نظر قرار می‌گیرد و دوره آئین نامه اجرائی، عرصه‌ای بهانه نمودن اصول اسانسانه‌ای، بعنوان مثال اینک انقلابت تشکیل می‌دهد که کارناال محضی باید نظریات خود را عنوان نماید که آئین نامه اجرائی باید بطور محض منظور خود. بدین ترتیب سیاست عملی محض تدوین شده تشکیل. علاوه آئین نامه اجرائی ابزار می‌دهد نمودن اسانسانه تشکیل می‌دهد.

رنگا باید توجه داشته باشند که صرف تدوین و تصویب یک اسانسانه نمی‌تواند به تمامی مشکلات تشکیل می‌دهد و راه را جهت ایجاد تشکیل می‌دهد الزامات هموار نماید. بعنوان مثال در اسانسانه ساختمان و وظایف کمیته‌های شهرستان و منطقه ... در اسانسانه این کمیته‌ها با یکدیگر محض می‌شود. اما زمانی که چنین کمیته‌هایی عملا موجود است ما بر این تعداد و با هشته‌ای موجود در حدی هستند که بسط به یک کمیته منطقه‌ای را ... بر حسب شفاخته خود اسانسانه اسانسانه‌ای چگونه به مرحله اجرا در می‌آید؟ و با هر مواردی دیگر در اسانسانه حقوق و وظایف محض می‌شود که در اسانسانه چگونه اجرا و به‌عبر آن قید نمی‌شود. بعنوان مثال این یکی از حقوق مسلم انقلابت تشکیل می‌است که در نظریات سازمانی نظریات خود را متمسک نماید. اما در اسانسانه عمده اجرا می‌دهد بر این حقوق منظور نمی‌شود.

پاسخ به سئوالات

می‌باید و این یکی نیز منوط به کامل شدن و طایفه سازمانی ما می‌شود.
در رابطه با اینکه سیاست تشکیل می‌دهد بر چه اصولی متکی است اگر منظور اصول ناظر بر کارهای اینک است و وظایف و حقوق نیروها و تشکیل است، این ساله در اسانسانه هر تشکیل می‌دهد. اکنون رفقای از همه مسئولیت‌تدوین یک اسانسانه سازمانی را بر عهده گرفته‌اند یا با توجه به نظریات ما و کمیته‌هایی که در اسانسانه‌های قبلی وجود داشته و نیز نقد و جمع‌بندی از پراکندگی "سازمان" در عرصه تشکیل و اصلاحات و قدرت اشتراک‌گرایی را در اسانسانه بسط آورده به اقتضای تشکیل و وظایف و حقوق کارگران - های مختلف و اعضا را بر مبنای اسانسانه سازمانی همکارانیک تدوین نماید. اما

سوسیالیسم

ملاحظاتى بريك گزارش

نخستین (دن کینوت) است که يك تنه به میدان آمده و به عناصر رنگارنگ پیروزو- ازى اعلام جنگ می دهد و دلیرانه علیه سپه های "سیک کار" وارد مبارکه میشود. در اولین حمله به این دیوان نابکاره اما قلم دن کینوت از گزارش موقوف باز مانده و بسا چهل واقعات در قالب گزارش و نقد، سپه سیک کار را در عاظم روزها به زانو در می آورد تا "تنها خط منی انتحالی - پرولتری با همان سیک کار گذشته، در عرصه ای تنگ تر - "مقاوم" رزمیده - " خود ادامه دهد.

وقتی گزارشیگر ما در این گزارش مبرورما جان بی نفس و ناموس می کند که گوئی در - وقوع رخداد های بد بین و ناکامی ها هیچ مسئولیتی منوجه او نیست و خود، در مرکز رویدادها و اتفاقات قرار نفاشته و تنها متاعده گر جرمناک بوده است و جرمناکی که در تشبیه قدرت تحمیل اوه آنچنان مبرورما می گزاریم می شوند تا زمینه ای کردند برای - بهتراز نمای دن کینوت و ابرو و یمنون دست آورده ای خلاص دفتر توهماتش ثبت شوند. گزاره عکره گزارش خود را با بررسی اوضاع ایران آغاز میکنند و در املد " همانند اکثریتسرها - عاثن به طبقه کارگر و انصاف برسان را، زوجه ساز بکه نازی برپا نادات همسر پرولتری "میاسبه نمونه و گناه " میسازد با نین تمعری در موج شروع و سرکوب و اهدا زسان و ۰۰۰۰ را به گردن توکل به " قاب - خاد آغارینتی و ماجراجویانه میاهدین علی " می اندازد و به همین زودی فراموشی می کند که گزارشیگر خود شوحت التمعاع جاذبه های سحر و افسون " فاکتیک های آنا - ریدینتی و ماجراجویانه میاهدین علیسی " میولانده به ارزیابی " تحولات بحرانی و ۰۰۰۰ برپاخته و فاکتیک های تمعری خود را برای سرزنشونی نموی رژیم جمهوری اسلامی و بسا

بمبنا داده جوجه های رزمی و کمینته های صغی اعتبار و ۰۰۰ بر همین اساس نشوین کرده بود. در امر می کند به چه حرحمی با نین نطق سریع رژیم در تشبیه سرکوب با همی های تحلیل های خود عقب نشینی کرده و امروز به این حقیقت " واقعه " می خود که " سازمان - ما پس از انصاف فاقد آن توان و نفسودی بود که بتواند جنبش را رهبری کند و میسه شای ارتجاع را خنثی نماید. " اما اسپین خاطررا چشم گنودن بر واقعات - یمنوه گزارش کرد - " بسیار با تأخیر همراه است و در " این لحظه تاریخی و آگاهی بر این حقیقت " کیکی به ریس ما نمی نماید تا بتوانند مال الشبارة کشتی در حال غرق خود را بسر تشبه پاره ها کمینته امرائی و کنفرانسی آن به ساحل نیابتی رهنمون شود.

گزارشگر در پیتر گزارش تشکیلاتی ، نو آزری اعیاب انگیزی در چاره اندیشی های - قدرت طلبانه بمشطور انداختن گناه خویش به گردن دیگران و با به گردن کلیت های همسر منحصر از خود بروز می دهد. در گزارش - تشکیلتی ، استدلال گزارشیگر بر این معادله خنده میشود: عامل اصلی بحران هائی کسه سیر به انحلال سازمان - به زسم رفیق استوار سازمان عموم ظنی به سازمان " حقیقتسما پرولتری " کمینته اجرایی - گردید " سیک کار " است (کلیتی نامشخص و بی آزار) که در ادامه خود موجب بحران و سرکوبت با همی می شود و لابد بزعمکاران نایمنودگی این سیک کار نیز " عوامل رنگارنگ پیروزو - ازى " درون تشکیلات اند و گزارشیگر محصوم گسترین جرمی ندارد و نشینتا عواملی ماوراء تشکیلتی و مرکز رهبری ابر و تشکیلات را بجا زده و پلنچ زده و متعل می نماید. همین عتاف مستعربه نطق از قلم شمار گزارشیگر " تا در بسیاری موارد بند را آب می دهد و گزارشیگر در توصیه در می مانده از آغاز تا انشام گوئی و نه هنوز کمینته مرکزی و نه کار رهبری این سازمانست، که شاهد بسی زبان در بی اراده خرابکاری های " مواجسک

پیروز بازی " است و بدون واکنشی تنها گر می مان انهدام تشکیلات .

در حنده بخش " عملکرد تشکیلاتی " گزارشیگر بشووه محمود خود ، در خودبنا همی از مذاکارتی و از خودگفتنگی و دلآوری و ۰۰۰ " رفتای ما " بر زمینه های " کار تبلیغی " دانشی از بکسر و ارتقا " تئوریک و بیست پا " به حل و مرزهای ۰۰۰۰ از سوی دیگر " گفتفر - سایر نموده تازه همه این معیبه و نومینه های که کسی با همین تر تحتلکه خواهدد عهد را نیز بمعنوان تمام وظایفی که " رفتای ما " باید انجام می داندد کانی نمی داندد رژیم جمهوری اسلامی را " عامل وارد آوردن خربات سنگینی " به سازمان می کند و با هیاهت نام از " فریادی بخش های مختلف تشکیلات و شبانت تعدادی از امتنا - مرکزیت و کاررها و ۰۰۰۰ دم می زند و فاشنه این خربات را تا خربه آبیانماه ۶۴ با " خربه سنگین دیگری به کینته کارگری نهران " گسترش می دهد و به بحران ها ، اختلافات با پشتولوزیک - سیاسی و تشکیلاتی اشاره می کند که از " اوغرمال و اوایل سال ۶۶ شروع شده و به اسفند ۶۶ ختم میشود " . عکال گبری و بروز و وقوع این بحران ها و اختلافات اما ، هیچکدام برزین گزارشیگر مربوط نیستند و رفیق ما ، تقیبا تماشاچی بی اراده همه این کسنگ ها است. تنها آغوشی که بک لهرمان نجات بخش باید بیاید و کار را برای همیشه بکسر کند ، دن کینوت وارد مبارکه میشود و هر پار بسا حوار شدن بر اعتقادات بک بخش از نیروهای تشکیلات موفق میشود بخش دیگری از مخالفین را از میدان به در کند. روندی که هر بار میدان عمل سازمان را محدود تر نموده و - " دستگیری حزبی " را در جهنمت گیری سطحی کمال بضمیمه است .

در پیتر دوم گزارش (عملکرد تشکیلاتی) گزارشیگر از بک " بحران سیاسی - ایدئولوژی بک و بجم " که در تشبیه " به ویژه مهاجرت بولتن " ، " این گزارش " (گزارش نیرو -

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان

سیاست‌های جدید

ملاحظات پیرامون گزاف

سیاست‌ها را در درون تشکیلات تعیین کند و نتایج آنها را به شکل اصولی آن‌ها عمل نماید در یک سو یا در بازی و شمش بازی عمل میکند و در سوی دیگر آن‌ها نیز تلاش می‌کند تا به یک نتیجه و نتایج به عبود های بوروکراتیک...

بررسی استنادی کمیته اجرایی از پروتکل تدوین فاجعه ۱۰ بهمن و حتی در همین محدوده نیز می‌توانست می‌توانست نقد گامی مثبت ارزیابی شود. گامی که در پروسه نظامی خود به نفع جدی از این فاجعه مسیر خود را آغاز کرد کمیته اجرایی از ۱۰ بهمن بر رسته اصلاحات گسترده ای که گزارشی بر آن مبنی است، ادامه همان سیاست کار و عبود های بوروکراتیک است که در انحصار پانزده کمیته اجرایی تهران می‌باشد. نقد تحریر شده و که در همین گزارش پانزده فیلت‌ها و دست‌آوردها ساخته می‌شود در واقع نقدی نوینی است برای از سر گذاردن بحران که منظور تدوین شیوه ها و سیاست کار گذشته خود به کار رود. از همان نوع سبک می‌شود. کمیته اجرایی در این روز فقط از یک حاکمیت به حاکمیت دیگر منت منتی کرده است. گزارشی بر یک پارا - کرام فاجعه ۱۰ بهمن را به نقد کمیته است تا ادامه کاری سیاست کار گذشته را تسخیر کند و بتواند با نقد سوری و تند فاجعه ۱۰ مبارزه کند. انحصار اطلاع گرایان اخیر را دستور بدارد. فاجعه ۱۰ بهمن مسئولی یکی از شاه - ترین ضلعات سیاست‌های سازمان مصوب می‌شود. این واقع قابل اعتقاد است. توسط کمیته مرکزی سازمان در پرتو اجتناب از فرار و عدم آشنایی که گویا اساساً چنین وضعی وجود نداشته است. رویانی که برای چنین نوعی نیستی ایران در حکم لکه ننگی است که بر اساس طبقه کارگر و انقلابیون کمونیستی به پیشرفت کمونیستی عمیقاً مسموم شده است. بدون نقد جدی از آن سیستم و سیاست کاری که به

چنین نایجادی منجر گردیده نه فقط اعتقاد از دست‌رفته را نمیتوان مجدداً به دست آورده بلکه خود نفاق آنست که «فناهی» از - نوع ۱۰ بهمن همچنان می‌تواند بولوع بهیوش و کمیته اجرایی با یک بار گزارشی در - حلقه تحریفات آشکار و فرودهای بازی‌های سیاسی خواهد آنرا حالت مالی کند. (هورای مالی در این مورد حتی یک گام از کمیته اجرایی عقب تر است.)

واقع گزارشی سیاسی - تشکیلاتی هر چه بیشتر تلقین می‌کند ترک یک‌جانبه و غیر تهاکتیکی و نوظنه گرایانه خود را از مفهوم تشکیلات، نظوری تشکیلاتی و مکانیزم مبارزه با ابزار تشکیلاتی ۱۰۰۰ بیشتر به نمایش می‌گذارد. در سایه همین ترک و آخرین پرتو نمایش که همانا «شوریه کردن پرولتری» «حلال سازمانت بر پهنه طوفانم گزارشی - ظاهر می‌شود؛ در آستانه فعلی که کمیته مرکزی و از جمله گزارشی بر آن نام گذر کرده گذاشته بودند. به یکباره تمام قول و قرار ها و کمیته مرکزی از سوی گزارشی کمیته اجرایی بهیوش تشکیلاتی گرایانه گام‌گام می‌شود و سازمان را در آستانه فروپاشی قرار می‌دهد. واقع گزارشی سیاسی - تشکیلاتی می‌نویسد: زود است - کنگره و که پنهان - درصداً اعضا - حرکت کننده آن از کمیته خارج از - کشور باشند و پیش‌های دیگر تشکیلات نیز پنهان - درصداً دیگر را به خود اختصاص داده نه تنها نمیتوانست بی‌انگیز اراده تشکیلات باشد بلکه با هدف تأیید و تصویب مواضع اپورتونیستی سرزمین بندی می‌کند. آنجا که باید شوریه‌ها در جلسات کنگره بر پایه استدلال سیاسی و علمی را تحکیم نموده احاطه و برنامه را به تصویب برسانند. عنصر پنجاه درصد از خارج و ۱۰۰ برای طرح می‌شود. این بار نه دیو و شول‌های «سیک کار» که نیروهای خارج از کنوری فرمان را راسی دارند تا با معامتی نظریه بر قلب تشکیلات و «کنگره» حمله کرده و به

یک صوم هر دو را متلاشی کند. همان عبود های گذشته و همان اندوید و انحصار می‌شود. گویی این صاحب گزارشی نبوده است که خود بر شکل گیری ترکیب کنگره از جمله تصمیم گیری درگان بوده است.)

طر همین دوره است که تحریر و «پروتکل» نازی و نوظنه گری سنگ بنای انحصار «سیک» انقلابی - پرولتری «سیک» بهین طریق بر تشکیلات کار» گفته فانی آمده. احاطه بهتری با این و پاره‌ای از سیاست‌ها و آثار روشنی سازمان به دور سایر اعضا کمیته مرکزی و فرودهای بازی و دستور اطلاعاتی و کتب و ارائه ضلعه و در فرودهای از ارگانهایی که وجود خارجی ندارند و از کمیته اجرایی حمایت می‌کند آورده‌اند. مراجعه به دولتی ارتجاعی برای حکمت که سازمان چریکی‌های فدایی خلق ایران است و ابزار آلترا دیو به چه کسی تعلقی دارد. ۱۰۰۰ گزارشی - ماهه است از مبارزه «خط من انقلابی - پرولتری» برای «انزوا» اپورتونیسم و تنمیر «سیک کار».

حجم قابل ملاحظه‌ای از «گزارشی ۱۰۰۰» به انتقاد از «سیک کار» اختصاص می‌یابد و در تکرار «سیک کار» گفته ضلعاتی باقی می‌ماند. عبود اما همچنانکه در رخ به رخ - نمودن برخی واقعات با اصل گزارشی مبارزه نمودیم به وضوح معلوم شد که نه تنها از «سیک کار» کمترین انتقادی صورت نگرفته بلکه این باره سیک کار گذشته با ایجابی جدید خود را با شکل پرولتری ظاهر ساخته است. گزارشی هر چه بیشتر تلاش کرده است خود را تبرئه کننده بار گناهان خود را - سنگین‌تر کرده است و «سیک کار» جدیدی را در تدوین روند گذشته بهیوش نموده. برای سقوط قدم اول گامی است. اما نقد «سیک کار» با سیک جدید کار ۱۰ در سیرای نقابان سرانگیزی خطوطه ناقص نوع کند. غنه اگر سرعت خود را باز نهد در سیک جدید عبود های قدیم متفکک است. بار که اخیر خط چنین روندی است. یا ولع در انتقاد بران

تجدید یاد اپورتونیسم جهانی - سرگردانی اپورتونیسم آمریکا و پانگانه داخلی

★ جاویدان بادیا دتماسی جا شہا عتقان لداسی ★

فریبا ادینی
 ابراهیم عزمی
 ملی حسن پور
 محمد کزنائی (حہ مہ کس)
 غلامحسین زینتی وند نژاد
 پرویز عبدالجبار
 عہد الہ حسوند (حسن)
 سیدی خانزادہ
 ملی محمد نژاد
 مریم توسلی
 فاطمہ روشن می
 عزتالہ معلم
 سید ربیع حسینی
 رسان فریانی
 ملی رما صدیقی
 عبدالہ ہمدانی
 شہوار شفیع
 محتر دلیر
 روح الہ انصاری

بہرام بھلوکی
 احمد سلیمانی
 عظیم حسین سیدی
 عباس کوہرزی
 حسن جان لشکوری
 کامران علوی
 فرخندہ فریاد
 احمد کیانی
 فریاد قربی
 و رفیق کبیر سہا ملک اسمان (اسکندر)
 و رفقای آرمان خلق:
 مسایون کثیرانی
 مونسنگ ترو گل
 ناصر گرجی
 بہرام طاہر زادہ
 ناصر مدنی

و تمامی جان باختگان
 راہ آزادی و سوسیالیسم
 گرامی باد!

بہوش و قسیمی!
 در اطلالیہ مراد ماہ گیتہ اجوائی دلہنہ با
 "جسارتی" یک اشتہہ بیسیخ دلاہ ہستہ
 در اطلالیہ گیتہ شہہ:
 در بر استمداد "ہوام" اندر نیم عراق کہ را دیو
 سازخ را در اختیار خود گرفت "کلیدہ رفتار
 کہ در بخش را دیو فعالیت مرکوندہ عمل استوار
 را دیو سازخ را ترک نمودند:
 ضمن بہوش از اسر اشتہہ ناپسی و علم فوق بین
 صورت تصحیح مرکوندہ: فقط کلید رفتاری
 ہستہ اہمیت کہ در بخش را دیو فعالیت مرکوندہ
 عنوان لقاہر عمل استوار را دیو سازخ را -
 ترک نمودند:

جنگ و انقلاب و

را بارہ تا عددہ طرح شامہم - راہ کار گسردہ
 لکن ہر عمار قابل وصول و مسکنی را - یا
 عمار اصلی مورد اہمابہ تصویر سی نماید -
 اینہا ہستند نوارد اختلاف ما با راہ کارگر
 ہر رابطہ با این جنگ ارتشامی - تاکید سا
 بر تبدیل جنگ ارتشامی بہ جنگ داخلی است -
 نہ حالیکہ راہ کارگر ہنم آنکہ ہم عمار
 تبدیل جنگ ارتشامی بہ جنگ داخلی را مطرح
 می کند و ہم تمسک صلح بہ ذہم لقاہا
 لکن تاکیدی بر دومی است - راہ کارگر رابطہ
 جنگ و انقلاب را از ہم میگردد - این است آن
 اختلاف اساسی ما با راہ کارگر در زمینہ
 مورد بحث -

جن بار در تاریخ قلب و اہمیت را ہستند
 حتی حقاقت اثبات کندہ این دیگر وطنہ
 مارکسہم - لنینیسم است و کتب شہزی مگا -
 نیم مبارزہ است کہ عینہ کاران را یک
 لغت از گردش در سار مبارزہ بہ خارج ہر
 کند -

مبارزہ و فطنی کہ انقلابیون در آن -
 فرار دارندہ صفاقت مرزبندن فطنی را با کتہ
 شدہ می پذیرند - اما حداقل برای جمعی کہ
 از مناقات انقلابگری روی برنامہ اندامہ
 ناپشندہ است کہ ہر مادیت پیمان مبارزہ
 صح حدت و حیانتی در روند ہستی نابہتری
 و گمناہتری سائریا ہسم بہا لکنیکہ جسم
 ہوشی بظہر باقی ہستی ماند و این بہ صاحب
 "کار" - شماره ۲۱۱ مربوط است تا راہ خود را
 برگزیند: یا اشتقاق از خود بہ سیک انقلاب -
 ہبون کمونست و فہم "سیک کار" - تقسیم
 با بہ ہوشی ہستہ از "سیک کار" -
 ہمہ

ملاحظاتہی بربک گزارش

می باشد - اصل اشتقاق از خود بہ روایت
 گزارش ہ - نوٹپوری فہمہم - سیک کار -
 پارای بدعتی بی سابقہ است - گوہا ہر این
 اشتقاق از خود نوآوراندہ بہ منظور ہاز -
 کتہ از خلا و رسیدن بہ موابہ از خود -
 اشتقاق ہندہ است - و شہا بہ منظور متصرف
 کردن انسان فاطرین گناہا ہ ہاموی بہ ہا
 ہندہ است کہ کثیرین رہتی بہ اصل ماسکرا
 نداردہ با حداقل نکل جسمینی گزارش ہ
 عوانندہ را بہ جنس تناسلی رہمون نسبی
 شہہ؟ اگر خطہ ہمنوان یک ابزار مردہمتہ
 احداث متفہم "سیک کار" بتواند برای -

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

★ جودان باد تماشای جانباختگان فدائی ★

زندگانی نوین ، حاملین آرمان والا ، بسا
 وجود شعله سوزنده شوق به زندگی ، برای پر
 پایی جهانی نوین ، بی پردایی از مرگ ، در
 جدال عظیم دوران نوه هر روز در روبروی
 با خداوندان سرمایه و غارتیبه گفاده دستی
 جان می بازند . تا ملاک روشن سنجش انسان
 والا ، حامل آرمان و اندیشه والا را از تریوز
 گان مشاطه گری - لطمه سرمایه بر سنگ - صفحه
 های تاریخ نقر کنند .

تاریخ پر حماسه و خون جدال ره گفایان آرمان
 والای کارگران و زحمتکشان ایران ، برگ برگ
 سرخی است از لحظه طوفنده روزهای خونین ماه
 و سال های این قرن ، از آغاز بهدایی آرمان
 رهایی کار از اسارت سرمایه .

گل آذین سرخ هر روزه این تاریخ در همه
 ماهها و ماههای شهرپور و مهر لحظه حماسه
 جان باختن پیندگان نظام نو است .
 گرامی باد باد و نام تمامی جان باختگان -
 بر پایی نظام نو .

جودان باد باد تمامی جانباختگان فدائی
 در شهرپور و مهر ماه
 رفقا :

- محبوب تقیپوری (اسرا)
- عبالرضا ابروایی
- امیر شهری
- علی سرکاری
- انور اعلی

- مسعود بابائی
- حامد باباعلی
- احلم الله تاروس آشتگران
- حسن حدادی
- شهرت اکبری
- جیل جلالی
- احسن و مهریار ناصب
- سعد سیدی
- حمید رضا مالکی
- احمد مانی
- محمد تقی فرزند (صاحبون)
- بهمن رهبر

- بهنام رهبر
- محمد رضا فریدی
- حمیده کرمان
- پرویز ماوردی
- مطم حسین بیگی
- حسن مالمی
- علی رضا حامد بابائی
- ناصر فتوتی
- محمد عباسی
- حمید رضا مامکرم
- عباس کاظمی
- جواد کاربی

- نادر نوری
- علی رضا پناهی
- لایم محرومی
- اپوینگر آرمان
- مرشدک احمدی
- رحمد بزغان پناه (سکو)
- محمد رضا شوهه
- بیترن جنتی ملائی
- مرفقن حادادی
- سنگی نصرالدینی

- تاج سید باقری
- عبالرضا گلوری
- عزیز سعد رحیمی
- مفتخر جعفری جزایری
- عسرو مبارکی
- محمد رهبری
- علی رضا ابراهیمی
- سیدی حسینی
- ابوالفضل قزل ابادی
- و معلم انقلابی صد بهرنگی
- چنگیز قبادی
- محمد علی خالی
- محمد نوزادی
- حسن حامدی مقدم
- غلامرضا مغری
- حسن علمزاده
- رحمت قهرمانی
- حسن طالی قاضیانی
- لقمان خداتن
- چهار تاه حسینی اسفهان
- محمد رضا فرهاد
- زکلا سیاب
- پروین نامی
- اسمعیل بهد شهری
- زهره بهد شهری
- سنگی رسولی
- سهرتوس ابراهیمی
- منوچهر بهائی پور
- محمد احمدی لاری
- کرامت قبادی
- زاهد سجادی
- سپید بربری
- محمد مغری

ملاحظاتى بر يك گزارش

بعد از اینکه اصلاح طلبی کمینه مرکزی، سازمان چریکها و فدایی علی بن ایران، در حلال اوایل سال ۶۶ تشکیلات سازمان را حتی در شکل سوریه آن متعین نمود. در نهمه کار ۶۶ جناح کمینه اجرائی مجلس تحت عنوان: "گزارش سیاسی و تنگنای کمینه اجرائی به کنفرانس سازمان" چاپ شده است. بازنگری کوتاهی به برخی از جوی گزارش، مفهوم فرستالمان و پراکندگی آنرا دقیقتر از پورده بیرون می اندازد و هر چند دیگر سازمانی برای استماع گزارش —

کمینه اجرائی باقی نمانده است. پس از آن اما، چاپ چنین گزارشی به منظور اغراضی که هر چه بیشتر "سبک کار" کمینه اجرائی که مدعی از بیخ و بن تضریر دادن سبک کار گفته است. عالی از تلفظ نیست. گزارشی که تا کنون مدعی دار نشودین بر نامه حزبی بود و یک کلام از "تنگنای حزب و شخص کردن نیروها و جنبش کمونیستی ایران" کوتاه سی آمد. یا سقوط به سر راه به تاریخنگاریت بسته پیشا فصل تنگ، در گزارشی خود ایفاگر در صفحه ۲۲

پاسخ به سئوالات

چندین سؤال فر زاپله با سیاستمداران ما نمی هند اغلب مطرح شده است با این مشون مشترک که اولاً آیا ما سیاستهای سازمانی ما نمی قبلی را بطور کلی رد میکنیم؟ هر — آنمورتجه نوع سازمانی ما بر دستور کار قرار داده ایم. دریا اینکه فقط انتقاداتی به سیاستهای قبلی وارد می دانیم. ثانیا سیاست تنگنای ما بر چه اصولی متکی است؟

در پاسخ به دو سؤال فوق که به عنوان ارگانیک به یکدیگر مربوط اند، نگارنده کلی سیاستها و سازمانی، خودی بسیار کلی است و در حدی بسیار قابل پاسخ است. پس از انتخاب اقلیت و اکثریت، "اقلیت" تا انتقاد اخیر سیاستهای سازمانی و تنگنای شخصی را مطرح کرده است که نمی توان بر تمامی آنها ط بظان کفده. بعنوان مثال، پس از طرد اکثریتی ها، "سازمان" تشکیل شده ها و شرح کار راه را به مبتدیان سبک بند حزب پرولتری در دستور کار قرار داده و بر عداقل می توان گفت که این است گری را — اعلام نموده. ساله اما این است که چسبوا در صفحه ۲۲



★ جاودان به دیا دتماس ما شما ختگان فدایی ★

اسطوره زندگی آدمی، مبارزه ای به گستره تمامی طول تاریخ است برای رهایی از تمامی اشکال بردگی. چکامه رختان این اسطوره دلبری حیات بشری، حماسه جان باختن پیشگامان رها سازی بشر از بند های گران اسارت طغفانی است. شوق روزان زندگانی نوین، سرایندگان چکامه خونین این حماسه عظیم بشریتند. انقلابیون کمونیست، باره های عمل و شور عق در صفحه ۲۷

کسک های مالی خود را به این شماره حساب واریز کرده
DI Aryant
 KTO • 32325118
 BLZ • 250 501 80
 Stadt Sparkasse Hannover
 W • Germany
 و رسیده بانکی راه آدرس زیر ارسال دارید.

برای تماس با ما یا آدرس زیر تماس بگیرید.
Post Fach
Nr 910963
3000 Hannover 91
W Germany

سازمانکون باد رژیم جمهوری اسلامی — برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق